

Studying the effective sociological factors of female spectators in football matches of the Premier League of Iran

Hossein SadrMohammadi

PhD student in Sports Sociology, Islamic Azad University, Research Sciences Unit, Tehran, Iran.

hosseinsadrmmohammadi@gmail.com

 0009-0009-1779-6256

Bahram Ghadimi

Associate Professor, Department of Sociology, Islamic Azad University, Science and Research Unit, Tehran, Iran (Corresponding author).

Dr.b.ghadimi@gmail.com

 0000-0002-3223-8932

Mehrdad Navabakhsh

Professor, Department of Sociology, Islamic Azad University, Research Sciences Unit,, Tehran, Iran.

mehrdadnavakakhsh@yahoo.comm

 0000-0002-3028-7458

Abstract

The aim of the present study is "to study the sociological factors affecting the hooliganistic behavior of female spectators in Iran's premier football league". In the current research, hooliganism has been explained and investigated from a sociological perspective. The method of this research is a survey and the data collection tool is a researcher-made questionnaire. The statistical population of this research consists of female spectators present in football sports stadiums during the Premier League matches, of which 203 people were selected as the sample size through full sampling. The findings showed that there was a difference between emotional discharge (0.240), feeling of failure (0.432), feeling of youth and identity (0.273), sense of social belonging (-0.733), relative deprivation (0.303), social isolation. (0.332), media consumption (0.276), social responsibility (0.332), socio-economic base (-0.223) and hooliganism have a significant relationship. The results of the research showed that the social and psychological preconditions that affect people's social activity and behavior are affected by social environments, including social institutions and structures, beliefs and cultural values in which people live.

Keywords: Hooliganism, Football, Women, Violence.

مطالعه عوامل مؤثر جامعه‌شناختی بر رفتارهای هولیکانیستی تماشاگران زن در مسابقات فوتبال لیگ برتر ایران^۱

حسین صدرمحمدی

دانشجوی دکتری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
hosseinsadrmmohammadi@gmail.com id 0009-0009-1779-6256

بهرام قدیمی

دانشیار، جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
(نویسنده مسئول).

Dr.b.ghadimi@gmail.com

id 0000-0002-3223-8932

مهرداد نوابخش

استاد، جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
mehrdadnavakakhsh@yahoo.comm id 0000-0002-3028-7458

چکیده

هدف از مطالعه حاضر «مطالعه عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر رفتارهای اوباش‌گری (هولیکانیستی) تماشاگران زن در فوتبال لیگ برتر ایران» است. در تحقیق حاضر ناهنجاری از بعد جامعه‌شناختی مورد تبیین و بررسی قرار گرفته است. روش این پژوهش پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته است. جامعه آماری این پژوهش را تماشاچیان زن حاضر در ورزشگاه‌های ورزشی فوتبال در هنگام برگزاری مسابقات لیگ برتر تشکیل می‌دهند که از این تعداد ۲۰۳ نفر به‌عنوان حجم نمونه از طریق نمونه‌گیری تمام‌شماری انتخاب شدند. یافته‌ها نشان دادند بین تخلیه هیجانات (۰/۲۴۰)، احساس ناکامی (۰/۴۳۲)، احساس جوانی و هویت (۰/۲۷۳)، احساس تعلق اجتماعی (۰/۷۳۳)، محرومیت نسبی (۰/۳۰۳)، انزوای اجتماعی (۰/۳۳۲)، مصرف رسانه‌ای (۰/۲۷۶)، مسئولیت‌پذیری اجتماعی (۰/۳۳۲)، پایگاه اجتماعی - اقتصادی (۰/۲۲۳-) و ناهنجاری رابطه معناداری وجود دارد. نتایج پژوهش نشان داد پیش‌شرط‌های اجتماعی و روان‌شناختی که بر فعالیت و رفتار اجتماعی افراد تأثیر می‌گذارند، تا چه حد متأثر از محیط‌های اجتماعی شامل نهادها و ساختارهای اجتماعی، اعتقادات و ارزش‌های فرهنگی است که افراد در آن زندگی می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: اوباش‌گری (هولیکانیسم)، فوتبال، زنان، خشونت.

شاپای الکترونیک: ۲۵۰۸-۲۵۰۵X / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی

doi 10.22034/scs.2024.436303.1538



مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرهای مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشر به راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز به شرح زیر:

CC BY-NC-ND (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>)

مقدمه و بیان مسئله

فوتبال به عنوان یکی از پُرتعدادترین رشته‌های ورزشی در جهان یکی از مستعدترین بسترها در جهت بروز اغتشاش و پرخاش‌گری و ایجاد ناامنی است. تنوع ابعاد مختلف فوتبال به گونه‌ای است که در حال حاضر از آن به عنوان یک صنعت یاد می‌شود و رؤسای فدراسیون‌های کشوری، قاره‌ای و جهانی فوتبال در رده بانفوذ و قدرتمند سیاسی قرار دارند. تعطیلی جلسه‌های مهم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورهای مختلف و تعطیلی کسب‌وکار مردم حین برگزاری مسابقات حساس فوتبال، حاکی از هیجان مفرط بر این ورزش است (مرادی و دیگران، ۱۳۹۴). در ایران نیز همچون دیگر نقاط دنیا فوتبال رشته ورزشی جذاب و مفرحی است که دارای طرفداران خاص خود بوده، به طوری که در برخی از مسابقات فوتبال جمعیت حاضر در ورزشگاه به بیش از ۱۰۰ هزار نفر می‌رسد.

در سال‌های اخیر در بسیاری از کشورهای دنیا زنان در بسیاری از زمینه‌ها در کنار مردان در میدانی مسابقه حضور بهم رساندند. می‌توان به برخی از آن‌ها اشاره داشت. در بخش‌های مدیریتی (روزلا سنسی - مدیر اسبق باشگاه رم)، در بخش فنی (هلنا کاستی - سرمربی سابق تیم ملی بانوان ایران و سرمربی تیم فوتبال کلرمون)، در بخش پزشکی (اوا کارنیرو)، همچنین در قضاوت و سایر عرصه‌های اجرایی، آنان در کنار فوتبال مردان دیده می‌شوند. در عین حال، همه‌ساله به طیف تماشاگران زن نیز افزوده می‌شود؛ اما از سوی دیگر به دلیل پُرتعداد و پُرهیجان بودن فوتبال که با گذر زمان تب آن در بین بعضی از تماشاگران دارای حساسیت‌های کاذبی می‌شود که به بروز برخی از ناهنجاری‌ها و کج‌رفتاری‌ها در دو گروه از ورزشکاران و تماشاگران می‌انجامد. خشونت و اغتشاشات در راستای حرفه‌ای شدن ورزش کشور به ویژه در ورزشگاه‌های فوتبال پدیده‌ای در حال رشد است که این موضوع اهمیت پژوهش در مورد بررسی و شناسایی عوامل بروز و ارائه راهکارها و شیوه‌های جلوگیری از آن‌ها را امری ضروری ساخته است (مرادی و ستاری فرد، ۱۳۹۸).

اوباش‌گری^۱ (هولیگانیزم) به رفتارهای ناهنجارانه، تخریب‌گرایانه و جامعه‌ستیزانه هواداران فوتبال اطلاق می‌شود. گاهی رفتارهای اوباش‌گری در بین تماشاگران زن مشاهده می‌شود. در حالی که در تمام مسابقات فوتبال در دیگر کشورها از حضور زنان ممانعت به عمل نمی‌آید؛ اما در ایران از حضور تماشاگران زن به شدت جلوگیری و

1. Thieves

ممانعت به‌عمل آمده است. از نخستین حضور زنان در ورزشگاه آزادی در سال ۱۳۷۷ که در جریان استقبال از بازیکنان تیم ملی توانسته بودند به جام جهانی ۱۹۹۸ صعود کنند، بیش از دو دهه می‌گذرد (با وجود آنکه از زنان برای این حضور دعوت نشده بود؛ اما آنان با حضور خود توانستند در ورزشگاه حاضر شوند). زنان طرفدار فوتبال تلاش‌های فراوانی جهت حضور در مسابقات فوتبال کرده‌اند و در برخی از بازی‌ها حضور داشته‌اند و به‌واسطه علاقه زیاد برخی از دختران و زنان، آن‌ها خود را به اشکال مختلف به ورزشگاه رساندند. در روز پنج‌شنبه ۱۸ مهر ۱۳۹۸ عده‌ای از بانوان ایرانی برای اولین بار رسماً به‌عنوان تماشاگر زن فوتبال به ورزشگاه آزادی در تهران راه یافتند تا بازی ایران و کامبوج را از نزدیک تماشا کنند و اولین حضور تماشاگر زن در فوتبال اتفاق افتاد (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۸). همچنین برای نخستین بار در سامانه بلیت‌فروشی مسابقات لیگ برای تماشای بازی دو تیم استقلال و مس کرمان جایگاهی در طبقه دوم ورزشگاه آزادی مخصوص زنان تخصیص داده شد. هرچند این ظرفیت نسبت به ظرفیت ورزشگاه بسیار محدود و تنها ۵۰۰ نفر که قرار است در بخش کوچکی از طبقه دوم ورزشگاه یکصد هزار نفری آزادی بنشینند و بازی تیم محبوب خود را تماشا کنند (شبکه شرق، ۱۴۰۱).

اشتباه‌های داوری، تعصبات بی‌مورد، اختلال‌های شخصیتی، تحریک بازیکنان و مربیان، عدم دستیابی باشگاه مورد علاقه به نتیجه مطلوب، عدم رضایت از امکانات رفاهی مجموعه ورزشی، تحریکات و حواشی رسانه‌ای و یا حتی الگوبرداری از رفتارهای تماشاگران کشورهای دیگر در بروز رفتارهای اوباش‌گری تأثیرگذار است؛ اما برخی عوامل دیگر چون کنترل در ورود و خروج تماشاگران زن، تعیین و اختصاص جایگاه ویژه به آنان، محدودیت در فروش بلیط، کنترل شدید در فضای ورزشگاه‌ها توسط مأموران و دوربین‌های نصب شده، انتخاب گروه‌هایی از زنان به‌عنوان تماشاگر، فشار فیفا به فدراسیون ورزش و... به چشم می‌خورند. علاوه‌بر آن عملکرد نیروی انتظامی مستقر در ورزشگاه‌ها نیز در کنترل و یا پیشگیری از بروز چنین رفتارهایی را نباید از نظر دور داشت. بعضاً نارضایتی از فضای سیاسی - اجتماعی و محدودیت‌های عرفی و اجتماعی نه الزاماً قانونی به‌ویژه برای زنان در جامعه موجب رفتارهایی از این‌دست می‌شود و در واکنش، تماشاگران از فضای ورزشگاه‌ها جهت نشان دادن نارضایتی و اعتراض خود در قالب رفتارهای خشونت‌آمیز استفاده می‌کنند.

اوباشگران در تمامی دنیا حضور دارند. آن‌ها در مسابقات و بازی‌های فوتبال در غالب تماشاگر در ورزشگاه‌ها حاضر می‌شوند و مهم‌ترین وظیفه خود را صرفاً تماشا

کردن نمی‌دانند بلکه آنها بازی فوتبال را بهانه می‌کنند تا رفتارهای پرخاش‌گرانه و خشونت‌آمیز را از خود نشان دهند. آن‌ها در بازی فوتبال رفتارهای انحرافی متفاوتی از فحاشی تماشاگران تا ضرب و جرح و حتی قتل را شامل می‌شود (فرجاد، ۱۳۸۲، ص. ۱۲). از نظر پژوهشگران آسیب‌های اجتماعی شرایط و محیط اجتماعی افراد در شکل‌گیری شخصیت او باش‌ها نقشی تعیین‌کننده دارد که ریشه‌های آن را در محیط خانواده می‌توان یافت. «واباشگران معمولاً در خانواده‌هایی غیرمنضبط با والدینی سردرگم و مردود و نامطمئن از ارزش‌ها و فلسفه اجتماعی خویش پرورش می‌یابند و غالباً احساس درماندگی و اجحاف خود را به صورت قهرآمیز و پرخاش‌گرانه در مقابل نسل بزرگ‌تر، صاحبان قدرت و همه نهادها و سازمان‌های تأسیس شده در جامعه نشان می‌دهند» (Feuer, 1973).

در ایران آمار محدودی در زمینه خرابکاری یا وندالیسم وجود دارد (جان حسنی، ۱۳۸۷). آمارهای مربوط به اشیاء تخریب شده نشان‌دهنده گستره و تنوع آسیب‌هایی است که در حوزه خدمات، محیط زیست، آموزش، بهداشت و تفریحات وجود دارد و هر روزه توسط این گروه از افراد در جامعه جاری است (فتحی؛ آرام و کریمیان، ۱۳۹۱). برخی از مهم‌ترین نتایج اقدامات مخرب او باش‌گران عبارت است از:

الف) تخریب اموال عمومی؛

ب) تخریب فیزیکی، مانند تخریب ساختمان‌های نیمه‌کاره؛

پ) تخریب برخی مکان‌ها و مناطق در سطح اجتماع؛

ت) لطمات جسمی و فیزیکی به افراد؛

ث) لطمات روحی - روانی جبران‌ناپذیر؛

ج) آسیب به محیط زیست و... (نقدی، ۱۳۸۶، صص. ۱۱۲-۱۱۵).

رفتارهای او باش‌گری از سه حیث جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و زیست‌شناختی قابل تبیین است. از حیث زیست‌شناختی، رفتارهای او باش‌گران ناشی از طبیعت زیستی معنا می‌شود. در این رویکرد فطرت و ذات فرد است که او را به سمت رفتارهای خشونت‌آمیز و مخرب گرایش می‌دهد و موجب می‌شود تا وی در برخی از موارد دست به این رفتارها بزنند یا این رفتارها ناشی از عدم رشد کامل شخصیت فرد می‌باشد (حاجی بیگی و مسعودی، ۱۳۸۵). از حیث روان‌شناختی تخریب‌گرایی و او باش‌گری ناشی از اختلال رفتاری، خصوصیت و ویژگی‌های فردی فرد او باش‌گر است. از حیث جامعه‌شناختی، اولویت به مسائل بیرون از فرد و ساختارهای اجتماعی و پیچیده اجتماعی مهم جلوه می‌کند (مرادی و ستاری فرد، ۱۳۹۸). مطالعه و

بررسی این مسئله اجتماعی در فوتبال ایران از این سه حیث اهمیت و ضرورت دارد. مسائل اجتماعی در جوامع در حال گذار از جمله ایران را می‌توان متأثر از فرایندهایی، چون تأخر فرهنگی، بی‌هنجاری، تضاد اجتماعی، از خودبیگانگی دانست که بروز پیامدها و آسیب‌های اجتماعی متعددی را منجر شده است. این بی‌نظمی‌ها به عدم تعادل اجتماعی، افزایش آسیب‌ها و بحران‌های اجتماعی منجر می‌گردد. اوباش‌گری به عنوان عارضه‌ای جبران‌ناپذیر و اوباشگران به مثابه یک معضل یا مسئله اجتماعی در بسیاری از شهرها در زمان مسابقات فوتبال توسط مردان (بیشتر) و زنان (کمتر) مطرح است. در بسیاری از تحقیقات انجام شده، متغیرهای پایگاه اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی، فردی و زیستی از مؤثرترین متغیرهای اثرگذار بوده است. حاشیه‌نشینی، تجارب دوران کودکی، جامعه‌پذیری غلط، نظام‌های نادرست ضمانت‌های رفتاری (تنبیه) بر بروز رفتارهای تخریب‌گرایی اثرگذار بوده است. علاوه بر این فقدان نحوه گذران اوقات فراغت، تعامل و معاشرت با افراد ناباب، محل سکونت نامناسب، فشار جمعی به رفتارهای هیجانی، عدم تعلق به هویت شهری، فقدان استحکام مواد و مصالح مبلمان شهری هم به بعد رفتارهای تخریب‌گرایانه در جامعه مؤثر است (بخارایی و شربتیان، ۱۳۹۴). طرد شدگی، انزوایابی، فقدان نشاط اجتماعی بر بروز رفتارهای مخرب و اوباش‌گری تأثیر دارد.

محققان علوم اجتماعی غالباً چنین استدلال می‌کنند که ورزش بازتابی از جامعه در کلیت خویش است. از این رو گفته می‌شود ورزش جهانی کوچک از جامعه‌های بزرگ‌تر است. امروزه غلبه رفتارهای خشن بازیکنان و تماشاگران در رویدادهای ورزشی به یکی از موضوع‌های اصلی در رقابت‌های ورزشی تبدیل شده است. از همین رو تجمع زیاد تماشاگران در ورزش فوتبال ضروری می‌سازد که مسئولان به رفتارها و واکنش‌های تماشاگران و ورزشکاران آگاه باشند تا از فواید حضور تماشاگران به جای آسیب‌دیدن از مضرات احتمالی حضور آنها بهره‌مند شوند؛ چراکه امروزه شاهد خشونت و رفتارهای ناشایست در بین تماشاگران ایرانی هستیم به نحوی که روند افزایشی چنین رفتارهایی باعث به مخاطره افتادن وجهه ورزشی کشورمان شده است.

۱. اهداف و سؤال‌های پژوهش

مهم‌ترین هدف این پژوهش بررسی برازش مدل نظری عوامل مؤثر بر بروز رفتارهای اوباش‌گری و نابهنجار تماشاگران زن فوتبال لیگ برتر است. این هدف از طریق

پاسخگویی به سؤال‌های زیر محقق شده است:

۱. آیا بین تخلیه هیجانات و احساسات تماشاگران زن و اوباش‌گری در فوتبال رابطه وجود دارد؟
۲. آیا بین احساس ناکامی تماشاگران زن و اوباش‌گری در فوتبال رابطه وجود دارد؟
۳. آیا بین احساس جوانی و هویت زنانگی تماشاگران زن و اوباش‌گری در فوتبال رابطه وجود دارد؟
۴. آیا بین احساس تعلق اجتماعی تماشاگران زن و اوباش‌گری در فوتبال رابطه وجود دارد؟
۵. آیا بین احساس محرومیت نسبی تماشاگران زن و و اوباش‌گری در فوتبال رابطه وجود دارد؟
۶. آیا بین انزوای اجتماعی تماشاگران زن و اوباش‌گری در فوتبال رابطه وجود دارد؟
۷. آیا بین مصرف رسانه‌ای تماشاگران زن و اوباش‌گری در فوتبال رابطه وجود دارد؟
۸. آیا بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی تماشاگران زن و اوباش‌گری در فوتبال رابطه وجود دارد؟
۹. آیا بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی تماشاگران زن و اوباش‌گری در فوتبال رابطه وجود دارد؟
۱۰. آیا مدل نظری عوامل مؤثر بر بروز رفتارهای اوباش‌گری تماشاگران زن فوتبال از برازش مطلوب برخوردار است؟

۲. پیشینه پژوهش

مروری بر مطالعات و تحقیقات داخلی و خارجی انجام گرفته پیرامون رفتارهای اوباش‌گری در بین تماشاگران فوتبال نشان می‌دهد که رفتارهای تهاجمی تماشاگران در سرتاسر دنیا صورت می‌پذیرد. رفتارهای اوباش‌گری در زمره آن دسته از رفتارهایی‌اند که نمی‌توان تنها از یک منظر خاص بدان توجه نشان داد بلکه این رویداد و رفتار تهاجمی را از رویکردهای روان‌شناختی، زیست‌شناختی و البته جامعه‌شناسی قابل طرح کردن است. هریک از رویکردها به مؤلفه‌های خاصی اشاره می‌نمایند. آنچه در تحقیقات و مطالعات مورد توجه قرار گرفته است اشاره به موضوعات و مسائلی پیرامون رفتارهای تهاجمی تخریب‌گری است که در گذشته به‌طور دقیق شناسایی و تعریف نشده بودند یا بیشتر از منظر روان‌شناسی - زیست‌شناختی بدان نگریسته و پرداخته شده است؛ اما در یک دهه اخیر نگاه

محققان به رفتارهای اوباش‌گری از منظر جامعه‌شناسی صورت پذیرفته است. رفتار اوباشگرانه را نمی‌توان تنها از یک رویکرد مورد تحلیل و تبیین قرار داد. نوع و فراوانی رفتارهای خصمانه و رفتارهای اوباشگرانه تماشاگران ورزش فوتبال در ایران در گذشته کمتر شناسایی و تعریف شده بود؛ اما در حال حاضر به‌صورت دقیق‌تر و موşkافانه‌تر بررسی شده است که در تحقیقات داخلی این موضوع به‌خوبی قابل ملاحظه است. در راستای شناسایی دلایل مترتب بر رفتارهای نابهنجار در میان تماشاگران فوتبال نیز عوامل مؤثر بسیاری اشاره شدند که می‌توان به عمده‌ترین آن‌ها پایگاه اجتماعی اقتصادی، ناکامی‌ها، آموزش و شغل، نوع بازتاب رسانه‌ها، سابقه دعوا و نزاع، رفتار مربیان، بازیکنان و داور و... اشاره داشت که به‌نوعی نشان از انزوایابی، بی‌تفاوتی اجتماعی و اعتراض به وضع موجود از سوی تماشاگران است که به‌منظور ویران‌گری سیاست‌های حاکم و احیای مردم‌سالاری صورت می‌پذیرد.

در تفاوت بین تحقیقات داخلی و خارجی این نکته قابل اهمیت است که در عمده تحقیقات خارجی، علل رفتارهای اوباشگرانه با توجه به بسترهای کلان اجتماعی موجود همچون سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های نهادها و سازمان‌های دولتی در جامعه مرتبط است. در صورتی که در عمده تحقیقات داخلی، مهم‌ترین علل را می‌توان به نبود شادی، هیجانات سرکوب شده، تبعیض و انزوایابی در بین تماشاگران همچنین مجموعه‌ای از عوامل قدرتمند برای یادگیری پرخاش‌گری که از طریق رسانه‌ها با تحریک احساسات افراد و عکس‌العمل‌های خاص خود که تأثیر به‌سزایی در افزایش یا کاهش خشونت و پرخاش‌گری دارند اشاره شده است. موارد دیگر چون ایرادگیری‌های داوران، رفتار بازیکنان، مربیان و قضاوت‌های ناعادلانه و ارزشی و متعصبانه که موجب افزایش رفتارهای مخرب تماشاگران حاضر شده که در بروز رفتارهای اوباشگرانه تماشاگران فوتبال بی‌اثر نبوده و نیست.

جدول (۱): مرور پیشینه تحقیقات داخلی و خارجی صورت گرفته پیرامون

تخریب‌گری و اوباش‌گری در فوتبال

نویسنده و سال انتشار	عنوان	نتیجه
(کریمی؛ آقائی و باصری، ۱۴۰۲)	بررسی عوامل شناختی - رفتاری مؤثر بر شورش‌های بعد از بازی فوتبال	مطابق با نتایج مشخص گردید که عوامل شناختی - رفتاری مؤثر بر شورش‌های بعد از بازی فوتبال شامل جنبه‌های نگرشی، شخصیتی و فردی (عوامل روان‌شناختی) و همچنین مسائل فرهنگی، محیطی و اجتماعی (عوامل رفتاری)

نویسنده و سال انتشار	عنوان	نتیجه
		می‌باشد. در بین عوامل شناسایی شده عامل فرهنگی با میزان تأثیر ۰/۹۱۹ مهم‌ترین عامل مشخص شد.
(شجاع و دیگران، ۱۴۰۰)	واکاوی رفتارهای غیراخلاقی بازیکنان لیگ برتر فوتبال ایران	بر اساس یافته‌ها سه عامل آسیب به بازیکنان، آسیب به تیم و آسیب به جامعه حدود ۵۷/۲۰ درصد از واریانس متغیر رفتارهای غیراخلاقی بازیکنان را تبیین و پوشش دادند. بر همین اساس و به ترتیب اولویت، الگوی ذهنی آسیب به بازیکنان در رتبه اول، آسیب به تیم در رتبه دوم و آسیب به جامعه در رتبه سوم قرار گرفتند...
(طالب‌پور، ۱۳۹۹)	رفتارهای ناپه‌نچار در میان تماشاگران فوتبال در شهر تهران	نتایج تحلیل رگرسیونی نشان داد متغیرهای مستقل یعنی رفتار بازیکن، مربی و داور، سابقه دعوا، نوع بازتاب رسانه‌ها، ارتباط با خویشان و دوستان، پایگاه اقتصادی اجتماعی و ناکامی شغلی آموزشی توانستند بیش از ۵۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته رفتار ناپه‌نچار را تبیین کنند که در این بین رفتار بازیکن، مربی و داور تأثیر بیشتری بر رفتار ناپه‌نچار تماشاگران دارند.
(حیدری آقایی و میلانی، ۱۳۹۹)	تحلیلی بر رویکردهای نظری پدیده وندالیسم در فوتبال (چالش‌ها و راهکارهای کیفی)	حضور تماشاگران در رقابت‌های ورزشی پیامدهای مثبت و منفی زیادی دارد. آوباش‌گری تماشاگران از پیامدهای منفی تماشاگران در ورزش است که رشته فوتبال به دلیل حجم بالای تماشاگران، زمینه مساعدی را برای بروز آن فراهم می‌کند. در این پژوهش به مهم‌ترین تئوری‌های ارائه شده در زمینه تخریب‌گری و پرخاش‌گری پنداخته شده است.
(رحمانی خلیلی و صفویان، ۱۳۹۸)	تبیین جامعه‌شناختی پدیده هولیگان‌یسم تماشاگران فوتبال (مورد مطالعه: تماشاگران مسابقات فوتبال شهر تهران)	محیط پیرامون، هیجانات کاذب، امکانات رفاهی و شخصیت برون‌گرا بر آوباش‌گری مؤثر می‌باشند. دو متغیر محیط پیرامون و هیجانات کاذب تماشاگران فوتبال به‌طور مستقیم بر آوباش‌گری مؤثر است که این تأثیر مثبت و مستقیم است و متغیرهای امکانات رفاهی و شخصیت برون‌گرا به شکل غیرمستقیم بر متغیر وابسته اثر می‌گذارند.

نویسنده و سال انتشار	عنوان	نتیجه
		متغیر هیجانات کاذب علاوه بر تأثیر مستقیم به شکل غیرمستقیم از طریق تأثیرگذاری بر محیط پیرامون نیز بر اوباش‌گری تأثیر می‌گذارد.
(دستگردی، دبیر، و شریعتی فیض‌آبادی، ۱۳۹۸)	مدل سازی ساختاری مفاهیم ناهنجاری در ورزشگاه‌های ایران	با توجه به حضور لیدرها در قالب کانون هواداران به‌عنوان نقطه اصلی تحریک و تهییج هواداران به‌عنوان مؤلفه دارای بیشترین ضریب، آموزش‌های لازم برای مدیریت سکوها در این گروه در کنار به‌کارگیری افراد شایسته در این جایگاه بیش‌ازپیش ضروری است.
(مرادی و ستاری فرد، ۱۳۹۸)	گزارش بررسی پرخاش‌گری و خشونت در فوتبال و ارائه راهکارهای پیشگیرانه و کنترلی	مطالعه پرخاش‌گری، خشونت و حوادث ورزشگاه‌های فوتبال کشور در دو دهه گذشته به‌ویژه در یک سال اخیر، نشانگر آن است که سوءمدیریت در برگزاری مسابقات و فضای روانی تماشاگران دو عامل اصلی خشونت و پرخاش‌گری در فوتبال است.
(شفیعی و دیگران، ۱۳۹۵)	ارائه مدل فرایندنگر بروز پرخاش‌گری و چهارچوب کنترل آن در تماشاگران فوتبال	تحلیل مسیر روابط بین متغیرها نشان داد که رویه مدیریتی به‌ترتیب ضرایب ۰/۷۴، ۰/۶۶ و ۰/۵۵ بر رویه عملکردی، رویه زمینه‌ای و بروز پرخاش‌گری اثر معناداری دارد. همچنین اثر رویه زمینه‌ای بر رویه عملکرد و بروز پرخاش‌گری به‌ترتیب ضرایب ۰/۸۸ و ۰/۷۱ معنادار به‌دست آمد.
(کشگر؛ کارگر و خورشیدی، ۱۳۹۰)	نقش رسانه‌ها در انتقال ارزش‌های اخلاقی و رابطه آن با وندالیسم در فوتبال	بین میزان کنترل رفتارهای تخریب‌گری تحت تأثیر نمایش رسانه‌ای فوتبال با متغیرهای وضعیت تأهل، سن، تحصیلات و اشتغال رابطه معنادار وجود دارد. اکثریت افراد جامعه تحقیق معتقدند که رسانه‌ها در انتقال ارزش‌های اخلاقی از طریق نمایش فوتبال در قالب رفتارهای مبتنی بر ارزش و معرفی الگوهای اخلاقی مدار موفق نیستند و بین متغیرهای ارزش‌های اخلاقی بر گرفته از رسانه‌ها با متغیرهای کنترل رفتار تخریب‌گری رابطه معنادار مشاهده نمی‌شود.
(قاسمی؛ ذوالاکتاف و	توصیف جامعه‌شناختی	متغیرهای هیجان‌طلبی و عقده‌گشایی، سابقه

نویسنده و سال انتشار	عنوان	نتیجه
نورعلی وند، (۱۳۸۸)	عوامل مؤثر بر وندالیسم و اوباش‌گری در ورزش فوتبال	درگیری و نزاع، تیم‌گرایی، ازهم‌گسیختگی روانی خانواده، تأثیر زیادی از گروه همسالان، تماشای فیلم‌های خشونت‌آمیز، کنترل پلیس، جماعت انبوه، بحران‌ها و وقایع زندگی، رضایت از عوامل وضعیتی، سابقه رفتار مجرمانه و تحریک مطبوعات ورزشی به‌طور معناداری واریانس متغیرهای تخریب‌گری و اوباش‌گری را تبیین می‌کنند.
(حاجی‌بیگی و مسعودی، ۱۳۸۵)	خشونت و پرخاش‌گری در فوتبال و راهکارهای کنترل آن	این مقاله ضمن بررسی ماهیت و مبانی نظری موضوع پرخاش‌گری و خشونت در فوتبال، راهکارهایی را برای کنترل و مقابله با این پدیده مطرح می‌سازد.
(Divisova, 2024)	نظارت بر خشونت‌های مرتبط با فوتبال در جمهوری چک: تلاش باشگاه‌های فوتبال برای کسب سود و امنیت	این مطالعه بر اساس مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با مدیران امنیتی باشگاه‌های فوتبال چک، به نقش آن‌ها در مقابله با خشونت‌های مرتبط با فوتبال به‌عنوان بخشی از دستگاه پیچیده «ضداوباش‌گری» و همچنین به چگونگی پاسخگویی راهبردهای آن‌ها به چالش‌ها و معضلات ناشی از پی‌کردنی خاص این دستگاه، که تحت سلطه ایده مسئولیت اصلی باشگاه‌های فوتبال برای حفظ امنیت و نظم عمومی در داخل ورزشگاه‌ها است پرداخته است. این ایده در درجه اول در عقب‌نشینی پلیس از ورزشگاه‌ها و مجازات‌های انضباطی فدراسیون فوتبال برای باشگاه‌ها منعکس شد. با این حال، بدون تغییر در رویکرد سازمان‌های عمومی برای کنترل و مجازات خشونت‌های مرتبط با فوتبال، باشگاه‌ها نمی‌توانستند اقلیت مشکل‌ساز را از ورزشگاه‌های خود حذف کنند. در نتیجه، آن‌ها از شیوه‌های مختلف غیررسمی و گاه بحث‌برانگیز، از جمله استقرار جوخه‌های ضدشورش «خصوصی» استفاده کردند و حتی از اقدامات غیرمجاز و غیرمحبوب، مانند طرح‌های کارت هواداران و شناسایی بیومتریک، حمایت کردند.

۳. چهارچوب نظری

تفسیر و تبیین رفتارهای اوباش‌گری دارای طیف گسترده و دشواری است. به‌همین جهت الگوهای مختلفی برای تحلیل پرخاش‌گری و خشونت مطرح شده‌اند. اگرچه نظریه‌های مختلف قابلیت بررسی در این زمینه را دارند. در این منظرها سه نوع الگوی زیست‌شناسی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی بیشترین قابلیت را برای تحلیل و تبیین سازه‌های پرخاش‌گری داشته‌اند. در این مطالعه موضوع اوباش‌گری با پشتوانه نظری دو منظر زیست‌شناختی و روان‌شناسی دنبال و محوریت بحث با اتکاء به نظریه‌ها از منظر جامعه‌شناختی دنبال شده است.

اندیشمندان اجتماعی در ذیل الگوواره زیست‌شناختی، رفتارهای اوباشگران را ناشی از طبیعت‌زیستی آن‌ها می‌دانند که آنها به‌صورت فطری - ذاتی به‌سمت رفتارهای خشونت‌آمیز و مخرب گرایش و در برخی از موارد دست به این رفتارها می‌زنند (حاجی بیگی و مسعودی، ۱۳۸۵). آن‌ها اشاره می‌کنند این رفتارها می‌تواند ناشی از عدم رشد کامل شخصیت فرد باشد. مطابق با الگوواره زیست‌شناختی (نظریه‌های رفتار غریزی و پالایش روانی) فروید و لورنز، «پرخاش‌گری و خشونت در انسان منشأ غریزی دارد و انسان با استعداد بالقوه‌ای از روحیه و رفتار پرخاش‌گرانه و خشونت‌آمیز به دنیا می‌آید» (مرادی و ستاری فرد، ۱۳۹۸)؛ لذا در طی برگزاری یک مسابقه نظیر فوتبال تماشاگران زن مقدار زیادی از نیروهای غریزی ناشی از فشارهای درونی را ذخیره می‌کنند و تمایل بسیاری دارند تا این نیروهای غریزی را به شکل هیجانات هرچه سریع‌تر تخلیه کنند. طبیعی است آنان چون مردان در صورت باخت تیم موردعلاقه، اشتباه داوری، تحریک تماشاگران توسط عوامل خارجی فرصت لازم را برای تخلیه این هیجانات و نیروهای غریزی درونی فراهم آورد. براین‌اساس تماشاگران زن فرصت را غنیمت می‌شمارند و به داد و فریاد زدن و جیغ کشیدن و بعضاً فحش دادن می‌پردازند. بر اساس نظریه‌های مربوط به غریز، افرادی که دارای هیجانات فراوان و البته انباشته شده هستند، می‌توانند در محیط‌های خاصی چون ورزشگاه‌ها آن را تخلیه نمایند. منتهی گاهی اوقات هیجانات ناشی از خشم‌های فروخته می‌تواند موجب تظاهرات رفتارهای اوباش‌گری شوند.

اندیشمندان با رویکرد زیست‌شناختی معتقدند مسائل ژنتیکی و اختلالات روانی منجر به جامعه‌ستیزی می‌شوند. به عبارت دیگر تخریب‌گری در دو نوع فردی و گروهی، در بین مونث و مذکر دیده می‌شود. منتها تخریب‌گری گروهی با برنامه و هدفی مشخص اجرا می‌شود، اما تخریب‌گری فردی اغلب بدون برنامه و هدف

مشخص است. هرچند تخریب‌گری گروهی بیشتر و آشکارتر یا پررنگ‌تر جلوه می‌کند؛ اما در عمل آسیب‌های پنهان اجتماعی و اقتصادی تخریب‌گری شخصی بسیار گسترده‌تر و عمیق‌تر است. رفتارهای اوباش‌گری در بین مردان و زنان شایع است. مطالعات گسترده نشان می‌دهند که این نوع از رفتارها در بین مردان بیشتر از زنان دیده می‌شود. در این بین تفاوت تخریب‌گران زن در مقایسه با تخریب‌گران مرد در این است که بیشتر تخریب‌گران مرد آسیب و تخریب‌کردنشان در مقایسه با زنان بسیار وسیع است؛ اما در این بین زنان را نباید نادیده گرفت. رفتارهای اوباش‌گری در بین نوجوانان و جوانان هر دو جنس دیده می‌شود.

الگوی روان‌شناختی الگوواره دیگری است که محور اصلی خود را در تبیین موضوع مذکور به جنبه‌های روانی معطوف می‌کند. مطابق با الگوواره روان‌شناختی تخریب‌گری و اوباشی‌گری ناشی از یک اختلال رفتاری در اوباشگر ناشی از خصوصیت و ویژگی‌های فردی او محسوب می‌شود. در الگوواره روان‌شناختی، نظریه‌پردازان به نقش ناکامی در بروز و ظهور پرخاش‌گری، یادگیری اجتماعی، بازگشتی و دیدگاه‌های جنسیتی با تأکید بر جریانی که در آن افراد از دستیابی به هدف یا اهداف خویش باز می‌مانند، یاد می‌کنند. آن‌ها معتقدند با بروز احساس ناکامی، رفتار پرخاشجویانه بین افراد بروز پیدا می‌کند. بسیاری از نظریه‌های ذیل این الگوواره، پیامدهای رفتاری اوباشگران را دارای نتایج مخربی می‌دانند. تخریب اموال عمومی؛ ویژگی‌های فیزیکی، مانند تخریب ساختمان‌های نیمه‌کاره؛ ویژگی‌های اجتماعی با آسیب‌زدن به برخی مکان‌ها و مناطق؛ لطمات جسمی و فیزیکی به افراد؛ لطمات روحی - روانی جبران‌ناپذیر و در آخر آسیب‌زدن به محیط زیست از این دست هستند آسیب‌هایی که ممکن است روانی یا فیزیکی باشد. مهم‌ترین هدفی که به‌عنوان محور آسیب تحت توجه قرار می‌گیرد، منبع یا منابع ناکامی است. ناکامی احساسی است که در نتیجه ایجاد مانع بر سر راه رسیدن به هدفی که فرد آن را مطلوب می‌شمارد، پدید می‌آید. این هدف می‌تواند ذهنی باشد؛ یعنی اینکه فرد گمان کند که در حال رسیدن به هدف دلخواهش است و لذت‌های آن را پیش‌بینی کند و یا ممکن است در رفتار ظاهری تجلی یابد. در هر حال چنانچه اتفاقاً مانعی سد راه تحقق اهدافی شود که فرد انتظار دستیابی به آن را دارد می‌توان گفت وی ناکام شده است. مطابق با نظریه دولارد و میلر، «احساس ناکامی» در دستیابی به هدف موجب ایجاد رفتارهای خشونت‌آمیز از سوی فرد می‌شود. این هدف ممکن است هدف ورزشی یا غیرورزشی در زندگی اجتماعی باشد (محسنی، ۱۳۸۸). فرد ناکام

به واسطه خلأها و ناکامی‌هایی که در زندگی تجربه کرده به رفتارهای خشونت‌آمیز دست می‌زند. بسیاری از تماشاگرانی که مبادرت به رفتارهای اوباش‌گری می‌نمایند به واسطه انرژی‌های تخلیه نشده است که جهت ارضای آن به فعالیت‌هایی چون پرخاش‌گری روی می‌آورند. آن‌ها با حضور در ورزشگاه به منظور تماشای فوتبال در صورت ناکامی تیم مورد علاقه‌شان به اعمال خشونت مفرط دست می‌زنند. دلایل بروز ناکامی‌ها در جامعه از جمله منع زنان از حضور در میادین یکی از مواردی است که زنان منع‌های دیگر اجتماعی را در آنجا جبران می‌کنند. مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از مهم‌ترین علل بروز ناکامی‌ها و خشونت بروز داده نشده زنان و تجمع احساس ناکامی در بعضی از تماشاگران زن همچون مردان (به‌ویژه اگر نتیجه مسابقات باخت تیم باشد) این فرصت را برای آنان مهیا می‌کند و آن‌ها این فرصت را غنیمت می‌شمارند تا با دست‌زدن به رفتارهای اوباش‌گری، ناکامی‌های خود را در اثر محرومیت بروز دهند.

در دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی پرخاش‌گری و خشونت رفتار و کنشی اجتماعی است که از طریق فرایندهای اجتماعی، تولید، بازتولید و توسط فرد فراگرفته می‌شود و رفتار به‌عنوان مسئله‌ای که از محیط یادگیری فرد سرچشمه می‌گیرد، از طریق مدل‌ها و تقویت رفتار به وسیله پاداش و تنبیه ایجاد می‌شود (حاجی بیگی و مسعودی، ۱۳۸۵). در نظریه «یادگیری اجتماعی» چگونگی تأثیرگذاری وضعیت اجتماعی و محیطی روی خشونت افراد مورد تأکید است. «بندورا»، «بارون» و «ریچاردسون»^۱ معتقدند انسان ذاتاً پرخاش‌گر نیست بلکه پرخاش‌گری نوعی رفتار اجتماعی است که از طریق تجربه مستقیم یا مشاهده رفتار دیگران (در قالب الگوهای اجتماعی) آموخته می‌شود. نظریه یادگیری مؤید این فکر است که خشونت، خشونت به‌بار می‌آورد. کودکی که الگوهای رفتاری پرخاش‌گری را مقابل خود دارد یاد می‌گیرد که بعدها رفتارهای مشابهی را نشان دهد. خانواده و فرهنگ و خرده‌فرهنگ‌ها از مهم‌ترین علل و زمینه‌های اصلی بروز این رفتارهای خشونت‌آمیز به حساب می‌آیند. مطابق با نظریه آلبرت بندورا در نظریه یادگیری اجتماعی پرخاش‌گری نوعی رفتار اجتماعی است که از طریق تجربه مستقیم یا مشاهده رفتار دیگران (در قالب الگوهای اجتماعی) آموخته می‌شود. بندورا ریشه رفتارهای خشونت‌آمیز را در محیط تعلیمی افراد می‌یابد. فراگیری معمولاً تحت شرایط

1. Baron and Richardson

مستقیم (تنبيه و يا تشويق) و مشاهده‌های فردی صورت می‌پذیرد و می‌تواند نتیجه تجارب شخصی فرد یا برگرفته از نتایج مترتب بر رفتار سایر افراد باشد. از نظر بندورا و صاحب‌نظران پیرو نظریه یادگیری اجتماعی، گروه مرجع، دوستان و همسالان و رسانه از عالی‌ترین منابعی هستند که در بروز رفتار اوباش‌گری جوانان اثرگذار می‌باشد. به‌طور معمول، رفتارهای پرخاش‌گرانه در بین جوانان جهت نشان‌دادن هویت خود در ورزشگاه بیشتر تظاهر داده می‌شود و از تأثیر نفوذ بسیار بالایی در بین جوانان دارد. چه‌بسا دخترانی که هویت گم شده خود را در ادا و تقلید کارهای مردانه دنبال می‌کنند. بر اساس گزارش‌های نیروی انتظامی از افرادی که پرخاش‌گرند و دست به رفتارهای اوباش‌گری می‌زنند، شمار زیادی از آنان، دختران و نوجوانان و جوانانی هستند که از این طریق ابراز وجود می‌کنند. بعضاً بسیاری از آن‌ها قبل از شروع مسابقه در انتظار بسر می‌برند. شادی خود را با گریه نشان می‌دهند و از این طریق کسب هویت می‌کنند.

اریک فروم به‌عنوان یکی از روان‌شناسان اجتماعی با در نظر گرفتن تأثیر فرد و محیط منشأ ریشه کج‌رفتاری را در ناهمسازی انسان و نیازهایش با ساختارها و نهادهای مسلط در جامعه سرمایه‌داری می‌داند. از نظر وی این ناهمسازی‌ها به عللی مربوط است. نخست: نظام اجتماعی با ارزش‌های فرهنگی و قواعد رفتار هنجاری‌های پذیرفته‌شده پایه و مایه انحرافات و مسائل اجتماعی هستند. از این‌رو مسئله اساسی در نظامات طبقاتی و سرمایه‌داری در سلطه هنجارهایی است که با نیازهای آدمی در ستیزند، هنجارهایی که از فرهنگ طبقه توانمند و زورآور سرچشمه می‌گیرد و هرگونه انحرافی از آنها را به‌شدت مجازات می‌کند. دوم: از خودبیگانگی انسان که محصول ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نظام سرمایه‌داری و صنعتی است مانع تحقق هدف‌های فردی و گروهی می‌گردد؛ زیرا نظام اجتماعی همراه با ارزش‌های فرهنگی و قواعد رفتار و هنجارهای پذیرفته‌شده آن اموری در نظر می‌آیند که از وجود انسان سرچشمه گرفته‌اند، از آن بیگانه شده‌اند و در برابر وی قرار گرفته‌اند و وجود خویش را بر آدمی تحمیل کرده‌اند. در رویکرد روان‌شناختی ریشه‌های تخریب‌گری همان تجربه‌های تلخ یا تربیت غلط در کودکی، مانند طلاق پدر و مادر، تنبیه نامتناسب بدنی یا رفتاری و کلامی، بی‌بندوباری جنسی یا اعتیاد و به زندان افتادن پدر یا مادر، کمبودهای عاطفی بین کودک و پدر و مادر، عوامل ژنتیکی و وراثتی، کاستی‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی همانند سایر نابهنجاری‌های اجتماعی است.

اوباش‌گری در الگوواره جامعه‌شناختی، متأثر از فرایندهایی چون تأخر فرهنگی، بی‌هنجاری، تضاد اجتماعی، از خودبیگانگی است که بروز پیامدها و آسیب‌های اجتماعی متعددی را منجر شده است و در سطحی وسیع‌تر نشان‌دهنده جوامعی است که دچار بی‌سازمانی و ازهم‌گسیختگی اجتماعی شده‌اند این بی‌نظمی‌ها به عدم تعادل اجتماعی، افزایش آسیب‌ها و بحران‌های اجتماعی منجر خواهد شد. پیرو نظریه‌هایی که در ذیل الگوواره جامعه‌شناختی شناخته می‌شوند و علی‌رغم دو الگوواره قبلی یعنی زیست‌شناختی و روان‌شناختی که بیشترین تمرکز بر روی محور فرد محوری بود در این الگوواره بیشترین تمرکز به نقش محیط و جامعه شده است. دو الگوواره قبلی به عوامل بیرونی در بروز رفتارهای بیرونی اشاره نداشتند؛ اما در این الگوواره به‌طور عمده مسائل بیرونی از اولویت بیشتری برخوردارند و ساختارهای اجتماعی از اهمیت بالاتری برخوردارند. نظریه‌هایی چون کارکردگرایی، برچسب‌زنی، تضاد، رفتارگرایی، انسان‌شناختی، رفتار جمعی و پست‌مدرن در ذیل این الگوواره به سهم خویش توجیه‌کننده خشونت رفتار خشن اوباشگران هستند.

پیرو نظریه کارکردگرایی، یکی از کارکردهای ورزش در نظام اجتماعی، احساس تعلق و ترویج احساس ملی و حس وطن‌دوستی و میهن‌پرستی است. از نظر کارکردگرایی چون دورکیم و مرتن، همه صور و اشکال آنومی و انحرافات اجتماعی نشئت گرفته از ساختارهای اجتماعی و فرهنگی می‌باشد که با برهم‌خوردن ارزش‌ها و هنجارها، بستر انواع کژی‌ها شکل خواهد گرفت و بالعکس. در صورتی که افراد در رسیدن به اهداف با موانع جدی‌ای مواجه نباشند، احساس تعلق اجتماعی آن‌ها به نهادهای جامعه از جمله ورزش بیشتر از پیش خواهد شد. این احساس در بین زنان تماشاگر با مردان یکسان است. به این معنا زنان تماشاگری که احساس تعلق کمتری به جامعه داشتند رفتارهای اوباش‌گری بیشتری از خود نشان داده‌اند. محرومیت نسبی در خانواده، از بسیاری از موقعیت‌ها همچون اوقات فراغت، محدودیت دختران در مقایسه با پسران، محدودیت در آزادی‌های شخصی و... از جمله مواردی هستند که موجب می‌شود در فضایی چون ورزشگاه بروز رفتارهای خرابکارانه توسط دختران و زنان رخ دهد.

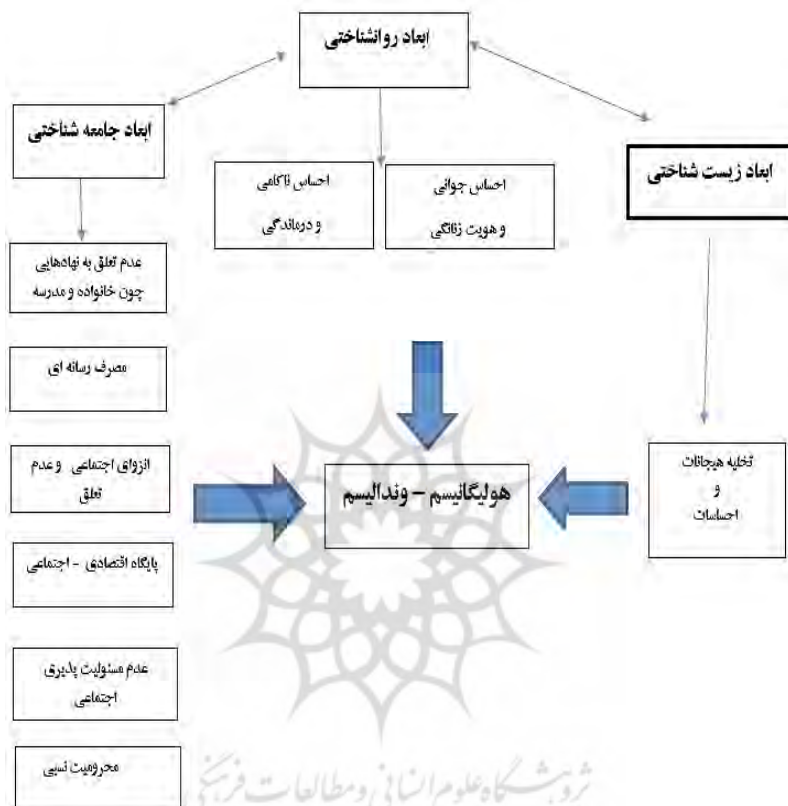
مطابق با نظر دورکیم در نظریه آنومی و بی‌هنجاری اجتماعی که در دوسطح فردی که نوعی نابسامانی فردی که به گسستگی و شکستگی انسان و معیار رفتار وی منجر می‌شود و به تعبیری، نوعی احساس فردی از بی‌هنجاری و نشان‌دهنده حالتی فکری که در آن احساسات فرد نسبت به خود وی سنجیده می‌شود. چنین حالتی

همراه با اختلال‌ها و نابسامانی‌هایی در سطح فردی بوده، فرد نوعی احساس بی‌هنجاری، پوچی و بی‌قراری را تجربه می‌کند. در سطح اجتماعی نیز نوعی اختلال، اغتشاش و بی‌هنجاری در نظام جمعی که در آن احساسات فرد با توجه به سیستم اجتماعی سنجیده می‌شود. در هر دو وجه آنومی چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی، تماشاگران زن که احساس انزوا و گوشه‌گیری می‌کنند.

از نظر مرتن، کناره‌گیری یعنی وقتی فردی به دلیل شرایط محدود و یا عدم شایستگی خود نتواند به هدف‌های تعیین‌شده فرهنگی و نیز به وسایل دستیابی به آن‌ها برسد، کناره‌گیری اختیار می‌کند؛ بنابراین براین اساس زنانی که با این محدودیت‌ها و موانع دست به گریبانند در شرایط متفاوت کنش‌های متفاوتی از خود بروز می‌دهد. به عبارت دیگر، وقتی جامعه بر فرد کنترل داشته است، فرد نوعی احساس بی‌قدرتی خواهد کرد و هدف و هنجار از دید فرد پوچ و بی‌محتوا می‌شود. در چنین وضعیتی احساس بیگانگی بر فرد تماشاگر مستولی می‌شود و او را به کنشی منفصلانه، ناسازگارانه و خشونت‌آمیز و منزوی‌گونه در قبال جامعه به بهانه مسابقات سوق می‌دهد.

با توجه به زمینه‌ها و مبانی نظری تخریب‌گری به‌ویژه سبب‌شناسی آن ملاحظه شد که اکثر صاحب‌نظران در سه حوزه زیست‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی بر این عقیده‌اند که علت کج‌رفتاری‌ها و اوباشی‌گری چون بسیاری از رفتارهای بزهکارانه معلول علت واحدی نیست. از طرفی دیدگاه‌های غالب اکنون بر این اصل اصرار دارند که نظریه‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی کج‌رفتاری هیچ‌یک به تنهایی کفایت لازم را در تبیین علل رفتار آدمی نداشته و غالباً اسیر تنگ‌نظری‌ها، ترک سبب‌بینی‌ها و تقیدات و تعصبات حوزه‌های نظری خود هستند. در مکتب جامعه‌شناسی سازمان‌ها، ساختارها و نهادهای اجتماعی و فرهنگی به مثابه واقعیت‌های اجتماعی، علت رفتار آدمی به حساب آمده و رفتارهای بزهکارانه را معلول ساختارهای اجتماعی و فرهنگی دانسته‌اند. درمقابل روان‌شناسان به ویژه روانکاوان آن را معلول کارکرد نیروهای سرکش درونی می‌پندارند. درمقابل، گروهی از صاحب‌نظران نیز به تعامل میان فرد و جامعه در فراگرد رفتار اشاره کرده‌اند. رویکرد آنان که بیشتر به روان‌شناسی اجتماعی نزدیک است و فرد و جامعه را توأماً و در کنش‌های متقابل در جریانات رفتار فردی دخیل می‌دانند. این رویکرد که در مکتب جامعه‌شناسی شیکاگو شکل گرفته است به فراگرد متقابل و تعامل میان کنشگران و محیط در مسیر عمل آدمی معتقد است و بر این اصل اصرار می‌ورزد که انسان در عین حال که سازنده جامعه و واقعیات اجتماعی است زیر نفوذ تولیدات خود

نیز قرار دارد. به نظر تیلور رابطه‌ای که میان انسان و جامعه وجود دارد یک رابطه دیالکتیک است و می‌باید این فرایند را در تمام مراحل کج‌رفتاری در نظر آورد. شکل زیر مدل نظری - مفهومی تحقیق را نشان می‌دهد:



شکل (۱): مدل نظری - مفهومی تحقیق

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ مبانی فلسفی پژوهش جزء الگوواره‌های کمی، از حیث نوع راهبرد تحقیق، پیمایشی و از نظر قلمرو موضوعی بین‌رشته‌ای و در حوزه علوم جامعه‌شناسی و ورزش محسوب می‌شود. قلمرو مکانی پژوهش شهر تهران و قلمرو زمانی فاصله مابین نیمه دوم سال ۱۴۰۱ تا انتهای نیمه اول سال ۱۴۰۲ بوده است. جامعه آماری پژوهش تماشاچیان زنی بوده‌اند که به شکل مستقیم و از نزدیک بازی‌های لیگ برتر فوتبال در ایران را در قلمرو زمانی ذکر شده دنبال کرده‌اند. حجم

نمونه و شیوه نمونه‌گیری تحقیق با توجه به کم‌شماری تعداد تماشاچیان زن فوتبال و شرایط خاص حاکم بر ورزشگاه‌ها برای حضور زنان به شیوه تمام شماری انتخاب شده است که نهایتاً تعداد ۲۰۳ نفر در پژوهش مشارکت داشتند. ابزار گردآوری داده‌ها در قالب پرسشنامه در اختیار تماشاگران زن حاضر در ورزشگاه‌های منتخب قرار داده شد. این کار با کمک کمیته مشوقین باشگاه استقلال - پرسپولیس - ملوان انزالی - نساجی مازندران و همچنین از طریق ارسال به کمیته مشوقان باشگاه گل‌گهر سیرجان و تراکتورسازی تبریز و با همکاری تعدادی از همکاران مربی در تیم‌های مختلف توانستیم پرسشنامه را جمع‌آوری کنیم.

جهت بررسی اعتبار پرسشنامه از روش اعتبار محتوا که مبتنی بر قضاوت و داوری متخصصان است، استفاده شده است؛ به همین منظور ابتدا معرف‌هایی که ظرفیت بازنمایی و نمایندگی مفاهیم پژوهش را داشتند از طریق اقتباس و بهره‌برداری از پژوهش‌های پیشین استخراج گردید. سپس پرسشنامه تدوین شده به رویت سه نفر از اساتید و محققان حوزه پژوهش رسید و از نظرها و ملاحظات ایشان برای تصحیح پرسشنامه کمک گرفته شد. بدین ترتیب از اعتبار محتوایی پرسشنامه اطمینان حاصل شد.

رایج‌ترین و مناسب‌ترین روش برای سنجش پایایی طیف لیکرت، ضریب «آلفای کرونباخ» است. در این پژوهش نیز از این روش برای تعیین پایایی هر متغیر به‌طور جداگانه استفاده شده است. هر چقدر مقدار این ضریب به ۱+ نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده هماهنگی درونی بالای بخش‌ها یا معرف‌ها است؛ نقطه برش ضریب آلفای کرونباخ عدد ۰/۷ است. به این معنا که مقدار بالاتر از این عدد نشان‌دهنده هماهنگی درونی بالای بخش‌ها یا معرف‌ها و مقدار پایین‌تر از این عدد نشان‌دهنده هماهنگی درونی پایین بخش‌ها یا معرف‌هاست. در این مرحله پرسشنامه بین ۳۰ نفر از زنان تماشاگر توزیع شد و ضریب آلفای کرونباخ محاسبه گردید و پس از اطمینان یافتن از پایایی مناسب پرسشنامه و اعمال اصلاحاتی بر روی آن پرسشنامه نهایی شده میان جامعه هدف توزیع گردید.

جدول (۲): نتایج آزمون آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی

شاخص	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
اوباش‌گری	۱۱	۰/۷۹۳
تخلیه هیجانات و احساسات	۱۱	۰/۷۳۶
احساس ناکامی اجتماعی	۶	۰/۷۵۰
احساس جوانی و هویت زنانگی	۸	۰/۷۴۲
احساس تعلق اجتماعی	۸	۰/۸۰۵
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	۷	۰/۷۹۵
احساس محرومیت نسبی	۱۳	۰/۸۷۲
احساس انزوای اجتماعی	۹	۰/۷۵۹
مصرف رسانه‌ای	۲۱	۰/۷۷۱

با توجه به نتایج ضرایب جدول فوق می‌توان بیان کرد متغیرهای پژوهش از پایایی لازم برخوردار هستند.

۵. یافته‌های پژوهش

یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌ها در بخش توصیفی تحقیق در زیر توضیح داده شده است:

جدول (۳): توزیع درصدی تماشاگران زن بر حسب سن

دامنه سال تولد	درصد	میانگین	انحراف معیار
۱۳۴۰-۱۳۵۰	۴/۹	۱۳۶۵	۸/۱۸
۱۳۵۱-۱۳۶۰	۱۵/۸		
۱۳۶۱-۱۳۷۰	۵۶/۷		
۱۳۷۱-۱۳۸۰	۱۶/۳		
۱۳۸۱-۱۳۹۰	۶/۴		
کل	۱۰۰		

از حیث «وضعیت سنی» ۴/۹ از پاسخگویان در دامنه سنی ۵۰ سال و بیشتر، ۱۵/۸ درصد در دامنه سنی ۴۰ تا ۴۹ سال، ۵۶/۷ درصد در دامنه سنی ۳۰ تا ۳۹ سال، ۱۶/۳ درصد در دامنه سنی ۲۰ تا ۲۹ سال و ۶/۴ درصد در دامنه سنی ۱۹ سال و کمتر قرار داشتند. میانگین و انحراف معیار سن تماشاگران شرکت کننده در مطالعه $37 \pm 8/18$ سال بوده است. «محل تولد» ۹۹/۵ درصد از تماشاگران شهر بوده است. «وضعیت تأهل» ۳۴ درصد مجرد و ۶۱/۶ درصد متأهل و باقی پاسخگویان مطلقه بوده است.

جدول (۴): توزیع درصدی وضعیت اشتغال فرد/همسر/والدین تماشاگران زن فوتبال

وضعیت اشتغال	فرد	همسر	پدر	مادر
شاغل دولتی	۲۷/۱	۲۳/۲	۶/۴	۳
شاغل آزاد	۳۰	۳۴/۵	۲۸/۱	۷/۹
بازنشسته دولتی	۲	۲۰	۱۶/۷	۳/۹
مستمری بگير تامین اجتماعی	۴/۹	-	۱۵/۳	۷/۹
بیکار	۳۶	۴۰/۴	۳۳/۵	۷۷/۳

به لحاظ «وضعیت شغلی» ۳۶ درصد تماشاگران زن بیکار بوده‌اند. از نظر وضعیت اشتغال همسر ۲۰ درصد بازنشسته دولتی، ۴۰/۴ درصد بیکار بوده است. «وضعیت شغلی پدر» ۶/۴ درصد از تماشاگران زن مورد بررسی شاغل دولتی و ۳۳/۵ درصد بیکار بوده است. از نظر وضعیت شغلی مادر ۳ درصد از تماشاگران فوتبال مورد بررسی شاغل دولتی و ۷۷/۳ درصد بیکار بوده‌اند.

جدول (۵): توزیع درصدی سطح تحصیلات فرد/همسر/والدین تماشاگران زن فوتبال

سطح تحصیلات	فرد	همسر	پدر	مادر
بی سواد یا فاقد همسر	-	۳۸/۴	۳۳/۵	۲۵/۶
زیر دیپلم	-	۳/۴	۱۸/۷	۱۴/۸
دیپلم	۲۳/۲	۲۵/۶	۳۷/۴	۱۷/۲
کارشناسی	۵۴/۷	۲۳/۲	۶/۴	۱۳/۸
کارشناسی ارشد و بالاتر	۲۲/۲	۹/۴	۳/۹	۲۸/۶

از نظر «سطح تحصیلات» تماشاگران مورد مطالعه، تحصیلات ۲۳/۲ درصد دیپلم، ۵۴/۷ درصد کارشناسی، ۲۲/۲ درصد کارشناسی ارشد و بالاتر بوده است. از نظر میزان تحصیلات همسر، ۴۱/۸ درصد از تماشاگران فوتبال زیر دیپلم یا فاقد همسر و ۹/۴ درصد کارشناسی ارشد و بالاتر بوده است. «تحصیلات پدر» ۳۷/۴ درصد دیپلم، ۴ و ۳/۹ درصد کارشناسی ارشد و بالاتر بوده است. تحصیلات مادر ۴۲/۴ درصد تماشاگران دیپلم و ۵/۴ درصد کارشناسی بوده است.

جدول (۶): توزیع درصدی میزان درآمد فرد/ همسر/ والدین تماشاگران زن فوتبال

میزان درآمد	فرد	همسر	پدر	مادر
هیچ درآمدی ندارم	۲۵/۶	۳۸/۴	۳۰/۵	۶۱/۱
زیر ۳ میلیون تومان	۱۴/۸	۲/۵	۲/۵	۳/۹
بین ۳ تا ۶ میلیون تومان	۱۷/۲	۲۱/۲	۱۱/۳	۱۷/۲
بین ۶ تا ۹ میلیون تومان	۱۳/۸	۳۷/۹	۳۱/۵	۷/۹
بالای ۹ میلیون تومان	۲۸/۶	-	۲۴/۱	۹/۹

میزان درآمد فرد ۱۳/۸ درصد تماشاگران بین ۶ تا ۹ میلیون تومان و ۲۸/۶ درصد بالای ۹ میلیون تومان بوده است. میزان درآمد همسر ۳۸/۴ درصد از تماشاگران فوتبال بدون درآمد، ۲/۵ درصد زیر ۳ میلیون تومان، ۲۱/۲ درصد بین ۳ تا ۶ میلیون تومان، ۳۷/۹ درصد بین ۶ تا ۹ میلیون تومان بوده است. میزان درآمد پدر ۲/۵ درصد تماشاگران زیر ۳ میلیون تومان، ۳۱/۵ درصد بین ۶ تا ۹ میلیون تومان بوده است. میزان درآمد مادر ۶۱/۱ درصد از تماشاگران فوتبال بدون درآمد، ۳/۹ درصد زیر ۳ میلیون تومان، بوده است.

جدول (۷): توزیع درصدی تماشاگران زن بر حسب نوع و متراژ مسکن

نوع مسکن	درصد	متراژ مسکن	درصد
استیجاری	۳۹/۴	کمتر از ۵۰ متر	-
سازمانی	۲/۵	بین ۵۰ تا ۷۰ متر	۲۸/۶
ملک مشترک	۳/۹	بین ۷۰ تا ۱۰۰ متر	۴۲/۴
شخصی	۵۴/۲	بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ متر	۲۳/۶
کل	۱۰۰	بیشتر از ۱۵۰ متر	۵/۴

«نوع مسکن» ۳۹/۴ درصد از تماشاگران فوتبال مورد بررسی استیجاری، ۲/۵ درصد سازمانی، ۵۴/۲ درصد شخصی بوده است. متراژ مسکن ۲۸/۶ درصد بین ۵۰ تا ۷۰ متر، ۴۲/۴ درصد بین ۷۰ تا ۱۰۰ متر، ۲۳/۶ درصد بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ متر و ۵/۴ درصد بیشتر از ۱۵۰ متر بوده است.

جدول (۸): توزیع درصدی تماشاگران زن بر حسب قومیت

قومیت	درصد	قومیت	درصد
فارس	۳۲	لر	۱۰/۸
ترک	۳۸/۹	مازنی و گیلکی	۶/۴
کرد	۷/۴	سایر موارد	۴/۴

از حیث قومیت نیز ۳۲ درصد از تماشاگران فوتبال مورد بررسی متعلق به قوم فارس، ۳۸/۹ درصد متعلق به قوم ترک، ۷/۴ متعلق به قوم کرد، ۱۰/۸ درصد متعلق به قوم لر، ۶/۴ درصد متعلق به قوم مازنی و گیلکی و ۴/۴ درصد متعلق به سایر اقوام بوده‌اند.

جدول (۹): یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته

وضعیت تماشاگران		حد بالا	حد پایین	انحراف معیار	میانگین	متغیرهای پژوهش
پایین	بالا					
۱۱/۳	۸۸/۷	۳۸	۱۱	۶/۷۱	۲۲/۸۵	وباش گری
-	۱۰۰	۵۲	۲۵	۶/۲۶	۳۸/۵۸	تخلیه هیجانات
۵۷/۹	۲۴/۱	۳۰	۷	۵/۲۲	۱۹/۸۵	احساس ناکامی
۸۹/۲	۱۰/۸	۴۰	۱۱	۶/۴۰	۲۴/۴۳	احساس جوانی
۹۴/۶	۵/۴	۳۵	۷	۵/۷۰	۲۳/۹۹	تعلق اجتماعی
-	۱۰۰	۶۳	۳۱	۶/۸۹	۵۴/۰۴	محرومیت نسبی
۲/۵	۹۷/۵	۴۱	۱۸	۵/۵۲	۳۰/۶۸	انزوای اجتماعی
۴۷/۳	۵۲/۷	۹۴	۴۰	۱۱/۷۸	۷۱/۶۲	مصرف رسانه‌ای
۹۸/۵	۱/۵	۳۵	۱۰	۴/۸۱	۲۹/۹۳	مسئولیت‌پذیری اجتماعی

یافته‌های توصیفی مربوط به هر کدام از متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد که ۸۸/۷ درصد تماشاگران از حیث میزان بروز رفتارهای اوباش‌گری در سطح پایین و

۱۱/۳ درصد در سطح بالا هستند. میانگین و انحراف معیار نمره احتمال بروز رفتارهای هولیگانیستی در تماشاگران $22/85 \pm 6/71$ بوده است. ۱۰۰ درصد تماشاگران زن از حیث وضعیت تخلیه هیجانات در وضعیت نرمال قرار دارند. میانگین و انحراف معیار نمره تخلیه هیجانات تماشاگران $38/58 \pm 6/26$ بوده است. ۲۴/۱ درصد تماشاگران زن از حیث میزان احساس ناکامی در سطح پایین و ۵۷/۹ درصد در سطح بالا هستند. نمره میانگین و انحراف معیار احساس ناکامی در تماشاگران زن $19/85 \pm 5/22$ بوده است. ۱۰/۸ درصد تماشاگران از حیث وضعیت احساس جوانی و هویت زنانگی در وضعیت پایین و ۸۹/۲ درصد در وضعیت بالا قرار دارند. میانگین و انحراف معیار نمره احساس جوانی و هویت زنانگی تماشاگران $24/43 \pm 6/40$ بوده است. ۵/۴ درصد تماشاگران از حیث وضعیت تعلق اجتماعی در وضعیت پایین و ۹۴/۶ درصد در وضعیت بالا قرار دارند. میانگین و انحراف معیار نمره احساس تعلق اجتماعی تماشاگران $23/99 \pm 5/70$ بوده است. ۱۰۰ درصد تماشاگران از حیث وضعیت احساس محرومیت نسبی در وضعیت پایین قرار دارند. میانگین و انحراف معیار نمره احساس محرومیت نسبی تماشاگران $54/04 \pm 6/89$ بوده است. ۹۷/۵ درصد تماشاگران از حیث وضعیت احساس انزوای اجتماعی در وضعیت کم و پایین قرار دارند. ۲/۵ درصد در وضعیت شدید قرار دارند. میانگین و انحراف معیار نمره احساس انزوای تماشاگران $5/52 \pm 30/68$ بوده است. ۵۲/۷ درصد تماشاگران از حیث وضعیت مصرف رسانه‌ای در وضعیت پایین و ۴۷/۳ درصد در وضعیت مصرف رسانه‌ای شدید قرار دارند. میانگین و انحراف استاندارد وضعیت مصرف رسانه‌ای برابر است با $71/11 + 62/78$ است. ۱/۵ درصد تماشاگران از حیث وضعیت مسئولیت‌پذیری اجتماعی در وضعیت پایین و ۹۸/۵ درصد در وضعیت مطلوب قرار دارند. میانگین و انحراف معیار نمره مسئولیت‌پذیری اجتماعی تماشاگران $4/81 \pm 29/93$ بوده است. در ادامه پاسخ سؤالات پژوهش مبتنی بر تحلیل داده‌های تحقیق آورده شده است.

سؤال اول: آیا بین تخلیه هیجانات و احساسات تماشاگران زن و اوباش‌گری در فوتبال رابطه وجود دارد؟

جدول (۱۰): برآورد همبستگی بین تخلیه هیجانات و اوباش‌گری

متغیر	آماره	مقدار
تخلیه هیجانات و احساسات	ضریب پیرسون	۰/۲۴۰**
	سطح معناداری	۰/۰۰۴
	تعداد	۲۰۳

** Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

ضریب همبستگی بین تخلیه هیجانات تماشاگران زن و اوباش‌گری در فوتبال ۰/۲۴۰ است. جهت این رابطه مثبت و از لحاظ آماری معنادار است ($p \leq 0/01$). با توجه به معناداری رابطه بین تخلیه هیجانات تماشاگران زن و رفتارهای اوباش‌گری در فوتبال می‌توان استنباط کرد تماشاگران زنی که تخلیه هیجانات قوی‌تری دارند؛ از حیث بروز رفتارهای اوباش‌گری مستعدترند.

سؤال دوم: آیا بین احساس ناکامی تماشاگران زن و اوباش‌گری در فوتبال رابطه وجود دارد؟

جدول (۱۱): برآورد همبستگی بین احساس ناکامی و اوباش‌گری

متغیر	آماره	مقدار
احساس ناکامی	ضریب پیرسون	۰/۴۳۲**
	سطح معناداری	۰/۰۰۰
	تعداد	۲۰۳

** Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

ضریب همبستگی بین احساس ناکامی تماشاگران زن و اوباش‌گری در فوتبال ۰/۴۳۲ است. جهت این رابطه مثبت و از لحاظ آماری معنادار است ($p \leq 0/01$). با توجه به معناداری رابطه بین احساس ناکامی تماشاگران زن و رفتارهای اوباش‌گران در فوتبال می‌توان استنباط کرد تماشاگران زنی که احساس ناکامی بیشتری می‌کنند؛ از حیث بروز رفتارهای اوباش‌گری مستعدترند.

سؤال سوم: آیا بین احساس جوانی و هویت زنانگی تماشاگران زن و اوباش‌گری در فوتبال رابطه وجود دارد؟

جدول (۱۲): برآورد همبستگی بین احساس جوانی و هویت زنانگی و اوباش‌گری

متغیر	آماره	مقدار
احساس جوانی و هویت زنانگی	ضریب پیرسون	$0/273^{**}$
	سطح معناداری	$0/000$
	تعداد	۲۰۳

**** Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).**

ضریب همبستگی بین احساس جوانی و هویت زنانگی تماشاگران و اوباش‌گری در فوتبال $0/273$ است. جهت این رابطه مثبت و از لحاظ آماری معنادار است ($p \leq 0/01$). با توجه به معناداری رابطه بین احساس جوانی و هویت زنانگی تماشاگران و رفتارهای اوباش‌گری در فوتبال می‌توان استنباط کرد تماشاگران زنی که احساس جوانی و هویت زنانگی بیشتری می‌کنند؛ از حیث بروز رفتارهای اوباش‌گری مستعدترند.

سؤال چهارم: آیا بین احساس تعلق اجتماعی تماشاگران زن و اوباش‌گری در فوتبال رابطه وجود دارد؟

جدول (۱۳): برآورد همبستگی بین احساس تعلق اجتماعی و اوباش‌گری

متغیر	آماره	مقدار
احساس تعلق اجتماعی	ضریب پیرسون	$-0/733^*$
	سطح معناداری	$0/036$
	تعداد	۲۰۳

*** Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).**

ضریب همبستگی بین احساس تعلق اجتماعی تماشاگران زن و اوباش‌گری در فوتبال $0/733$ است. جهت این رابطه مثبت و از لحاظ آماری معنادار است ($p \leq 0/05$). با توجه به معناداری رابطه بین تعلق اجتماعی تماشاگران زن و رفتارهای اوباش‌گری در فوتبال می‌توان استنباط کرد تماشاگران زنی که احساس تعلق اجتماعی بیشتری می‌کنند؛ از حیث بروز رفتارهای هولیگانی مستعدترند.

سؤال پنجم: آیا بین احساس محرومیت نسبی تماشاگران زن و اوباش‌گری در فوتبال رابطه وجود دارد؟

جدول (۱۴): برآورد همبستگی بین احساس محرومیت نسبی و اوباش‌گری

متغیر	آماره	مقدار
محرومیت نسبی	ضریب پیرسون	۰/۳۰۳**
	سطح معناداری	۰/۰۰۲
	تعداد	۲۰۳
** Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).		

ضریب همبستگی بین احساس محرومیت نسبی تماشاگران زن و اوباش‌گری در فوتبال ۰/۳۰۳ است. جهت این رابطه مثبت و از لحاظ آماری معنادار است ($p \leq ۰/۰۵$). با توجه به معناداری رابطه بین احساس محرومیت نسبی تماشاگران زن و رفتارهای اوباش‌گری در فوتبال می‌توان استنباط کرد ترتیب تماشاگران زنی که احساس تعلق اجتماعی بیشتری می‌کنند؛ از حیث بروز رفتارهای اوباش‌گری مستعدترند.

سؤال ششم: آیا بین احساس انزوای اجتماعی تماشاگران زن و اوباش‌گری در فوتبال رابطه وجود دارد؟

جدول (۱۵): برآورد همبستگی بین احساس انزوای اجتماعی و اوباش‌گری

متغیر	آماره	مقدار
انزوای اجتماعی	ضریب پیرسون	۰/۳۳۲
	سطح معناداری	۰/۰۸۸
	تعداد	۲۰۳
Correlation is not significant at the 0.05 level (2-tailed).		

ضریب همبستگی بین احساس انزوای اجتماعی تماشاگران زن و اوباش‌گری در فوتبال ۰/۳۳۲- است. جهت این رابطه منفی است، اما از لحاظ آماری معنادار نیست ($p \geq ۰/۰۵$). با توجه به عدم معناداری رابطه بین احساس انزوای اجتماعی تماشاگران زن و رفتارهای اوباش‌گری در فوتبال این فرضیه تأیید نمی‌شود.

سؤال هفتم: آیا بین مصرف و برداشت رسانه‌ای تماشاگران زن و اوباش‌گری در فوتبال رابطه وجود دارد؟

جدول (۱۶): برآورد همبستگی بین مصرف رسانه‌ای و اوباش‌گری

متغیر	آماره	مقدار
مصرف رسانه‌ای	ضریب پیرسون	۰/۲۷۶
	سطح معناداری	۰/۰۸۹
	تعداد	۲۰۳
Correlation is not significant at the 0.05 level (2-tailed).		

ضریب همبستگی بین مصرف رسانه‌ای تماشاگران زن و اوباش‌گری در فوتبال ۰/۲۷۶ است. جهت این رابطه مثبت است، اما از لحاظ آماری معنادار نیست ($p \geq 0/05$). با توجه به عدم معناداری رابطه بین مصرف رسانه‌ای تماشاگران زن و رفتارهای اوباش‌گری در فوتبال، این فرضیه تأیید نمی‌شود.

سؤال هشتم: آیا بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی تماشاگران زن و اوباش‌گری در فوتبال رابطه وجود دارد؟

جدول (۱۷): برآورد همبستگی بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اوباش‌گری

متغیر	آماره	مقدار
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	ضریب پیرسون	۰/۳۳۲**
	سطح معناداری	۰/۰۱۶
	تعداد	۲۰۳
** Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).		

ضریب همبستگی بین احساس مسئولیت‌پذیری اجتماعی تماشاگران زن و اوباش‌گری در فوتبال ۰/۳۳۲- است. جهت این رابطه منفی و از لحاظ آماری معنادار است ($p \leq 0/05$). با توجه به معناداری رابطه بین احساس مسئولیت‌پذیری اجتماعی تماشاگران زن و رفتارهای اوباش‌گری در فوتبال می‌توان استنباط کرد تماشاگران زنی که احساس مسئولیت‌پذیری اجتماعی بیشتری می‌کنند از حیث بروز رفتارهای هولیگانی در موقعیت ضعیف‌تری قرار دارند.

سؤال نهم: آیا بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی تماشاگران زن و اوباش گری فوتبال رابطه وجود دارد؟

جدول (۱۸): برآورد همبستگی بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و اوباش گری

متغیر	آماره	مقدار
پایگاه اقتصادی - اجتماعی	ضریب پیرسون	$-0/223^{**}$
	سطح معناداری	$0/009$
	تعداد	۲۰۳
** Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).		

ضریب همبستگی بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی تماشاگران زن و اوباش گری در فوتبال $-0/223$ است. جهت این رابطه منفی و از لحاظ آماری معنادار است ($p \leq 0/05$). با توجه به معناداری رابطه بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی تماشاگران زن و رفتارهای اوباش گری در فوتبال می توان استنباط کرد تماشاگران زنی که پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالاتری دارند از حیث بروز رفتارهای هولیگانی در موقعیت ضعیف تری قرار می گیرند.

سؤال دهم: آیا مدل نظری عوامل مؤثر بر بروز رفتارهای اوباشگرانه تماشاگران زن فوتبال از برازش مطلوب برخوردار است؟

برای بررسی برازش مدل ساختاری در یک پژوهش از ضریب تعیین مربوط به متغیرهای پنهان درون زای مدل استفاده می شود. هرچه مقدار ضریب تعیین مربوط به سازه های درون زای مدل بیشتر باشد نشان از برازش بهتر مدل است. سه مقدار $0/19$ ، $0/33$ و $0/67$ به عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی ضریب تعیین معرفی شده اند.

جدول (۱۹): نتایج معیار ضریب تعیین برای متغیر درون زا

متغیر درون زا	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	نتیجه
هولیگانیزم	$0/464$	$0/444$	تأیید

بر اساس نتایج جدول بالا میزان ضریب تعیین برای سازه درون زا در حد متوسط است. با توجه به نتایج تحقیق مناسب بودن برازش مدل ساختاری تحقیق تأیید می شود. معیار استون - گیسر قدرت پیش بینی مدل را مشخص می کند. هریک از سه مقدار $0/20$ ، $0/15$ و $0/35$ برای Q^2 به ترتیب بیانگر قدرت پیش بینی ضعیف، متوسط

و قوی در مورد سازه مربوطه معرفی شده است.

جدول (۲۰): نتایج معیار استون - گیسر

متغیر درون زا	مقدار Q^2	قدرت پیش‌بینی
اوباش‌گری	۰/۴۴۷	قوی

بر اساس نتایج جدول بالا با توجه به اینکه این مقدار برای متغیر درون زای مدل از ۰/۳۵ بیشتر شده است؛ بنابراین قدرت پیش‌بینی مدل در حد قوی است و برازش مناسب مدل ساختاری تحقیق تأیید می‌شود.

مدل کلی شامل هر دو بخش مدل اندازه‌گیری و ساختاری می‌شود و با تأیید برازش آن، بررسی برازش در یک مدل کامل می‌شود. معیار نیکویی برازش مربوط به بخش کلی مدل‌های معادلات ساختاری است. بدین معنی که توسط این معیار محقق می‌تواند پس از بررسی برازش بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل کلی پژوهش خود، برازش بخش کلی را نیز کنترل نماید. مقدار GOF به صورت زیر محاسبه می‌شود.

$$GOF = \sqrt{R^2 * Communality}$$

در این فرمول COMMUNALITY بیانگر مقادیر اشتراکی از میانگین مجذور بارهای عاملی هر متغیر به دست می‌آید. GOF با محاسبه میانگین هندسی میانگین اشتراک و میانگین ضریب تعیین تعدیلی R^2 به دست می‌آید و مقداری بین صفر و یک دارد و هرچه که به یک نزدیک‌تر باشد برازش مدل مناسب‌تر است. همچنین برخی از محققان بیان کرده‌اند که مدل با برازش خوب مقداری بالاتر از ۰/۳۶ و مدل با برازش متوسط مقداری بین ۰/۱۹ تا ۰/۳۶ دارد.

جدول (۲۱): مقادیر اشتراکی و ضریب تعیین

شاخص	ضریب تعیین	مقادیر اشتراکی
اوباش‌گری	۰/۴۶۴	۰/۶۹۳
تخلیه هیجانی	-	۰/۵۵۵
بیماری‌های روحی	-	۰/۶۹۶
احساس ناکامی	-	۰/۵۸۲
احساس جوانی	-	۰/۶۵۹
احساس تعلق	-	۰/۶۰۸

شاخص	ضریب تعیین	مقادیر اشتراکی
محرومیت نسبی	-	۰/۸۷۲
گروه‌های مرجع	-	۰/۶۱۴
انزوای اجتماعی	-	۰/۶۳۶
الگوهای انحرافی	-	۰/۵۹۰
مصرف رسانه‌ای	-	۰/۶۱۵
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	-	۰/۶۹۵

با استفاده از فرمول و مقادیر جدول، مقدار نیکویی برازش ۰,۵۶۴ به‌دست آمد. با توجه به این مقدار مدل پارادایمی ناشی از عوامل مؤثر بر رفتارهای اوباش‌گری تماشاچیان زن فوتبال از برازش مطلوبی برخوردار می‌باشد.

نتیجه‌گیری

از آنجاکه ورزش فوتبال به‌عنوان رشته‌ای پُرفرمدار و جذاب، میلیون‌ها طرفدار و هوادار آن را مشتاقانه دنبال می‌کنند، این ورزش هر روزه به‌سمت حرفه‌ای‌شدن و تخصصی‌شدن پیش می‌رود به‌همین دلیل در همین راه فوتبال همواره با رشد روزافزون طرفدار و تماشاگر همراه است. بسیاری از طرفداران با احساسات و هیجانات زیاد خویش بر جذابیت بازی فوتبال اضافه کرده‌اند. گاه در بین برخی از طرفداران نابهنجاری‌ها و کج رفتاری‌هایی رخ می‌دهد که از میان همه آن‌ها خشونت و اوباش‌گری در زمره مهم‌ترین محسوب می‌شود. اوباش‌گری یا هولیگانیزم فوتبالی^۱ نوعی رفتار جامعه‌ستیزی^۲ است. طی سالیان گذشته در میداين ورزشی این رفتارهای نابهنچار از سوی افراد از قبل و حین و پس مسابقات فوتبال، میان تماشاچیان و هواداران مختلف و توسط اوباش یا آشوبگران (هولیگان‌ها)^۳ چنان تنش‌آفرین شده که بعضاً موجب بروز حوادث تلخی شده است.

این پژوهش با هدف بررسی برازش مدل نظری عوامل مؤثر بر بروز رفتارهای اوباش‌گری تماشاگران زن فوتبال لیگ برتر انجام شد. جامعه آماری زنان تماشاچی بازی‌های فوتبال لیگ برتر در فاصله ما بین نیمه دوم سال ۱۴۰۱ تا انتهای نیمه اول سال ۱۴۰۲ بود که ۲۰۳ نفر با استفاده از شیوه نمونه‌گیری تمام شماری به‌منظور

1. Football hooliganism

2. Antisocial

3. Hooligan

بررسی موضوع انتخاب شدند. نتایج توصیفی این پژوهش نشان داد میانگین سنی پاسخگویان حدود ۳۷ سال بوده است. ۶۱ درصد متأهل، ۳۶ درصد از حیث وضعیت اشتغال بیکار و از حیث تحصیلات بیش از ۵۰ درصد از پاسخگویان مدرک کارشناسی داشته‌اند. ۵۴ درصد ساکن منازل شخصی با میانگین متراژ ۷۰-۱۰۰ متر زندگی می‌کنند. افراد با قومیت ترک و فارس بیشترین تعداد پاسخگویان تماشاجی فوتبال بوده‌اند.

در این پژوهش جهت تحلیل موضوع ۱۰ سؤال مطرح شد. در سؤال اول به بررسی رابطه بین تخلیه هیجانات و احساسات تماشاگران زن و اوباش‌گری فوتبال پرداخته شد. نتایج نشان داد که تماشاگران زنی که تخلیه زنی هیجانات قوی‌تری دارند از حیث بروز رفتارهای اوباش‌گری مستعدترند. دلیل پرخاش‌گری این تماشاگران هرچه که باشد در شکل نهایی از یک هیجان روحی ناشی می‌شود که به‌صورت عصبانیت، پرخاش‌گری، عصیان اجتماعی و خودنمایی به تخریب می‌انجامد. کاهش هیجانات نامطلوب و هدایت و تخلیه بخشی از آن به اقتضای سن، موقعیت فردی و اجتماعی و ناملازمات زندگی روزمره به‌وجود می‌آید. بیشتر این رفتارها ناشی از تخلیه هیجان است که البته بنا به شرایط و فضای ورزشگاه‌ها اتفاق می‌افتد. در همین رابطه نشان داده شده است افزایش کمیت و کیفیت مراکز تفریحی، مجموعه‌های ورزشی و امکانات تخلیه انرژی نوجوانان و جوانان می‌تواند در کاهش پرخاش‌گری تماشاگران در ورزشگاه‌ها مؤثر باشد (قاسمی؛ ذوالاکتاف و نورعلی‌وند، ۱۳۸۸). به‌علاوه پیمودن مسیرهای طولانی برای رسیدن به ورزشگاه‌ها، استقرار هواداران در ورزشگاه ساعت‌ها قبل از مسابقه، فقدان امکانات رفاهی مناسب و خستگی بر این عوامل مخرب روانی اثر فزاینده دارد. این نکته مسلم است که شور و هیجان بر روی احساس انسان‌ها تأثیرگذار است و بدیهی است که در تماشاگران ورزشی چنین مسئله‌ای بیش‌تر بروز می‌کند. وقتی گروه زیادی از افراد در ورزشگاه تجمع می‌کنند، توده‌ای بی‌شکل را تشکیل می‌دهند و احساس هویت مشترک با باشگاه خود دارند و لذا در پیروزی و شکست تیم شریک می‌دانند. بررسی‌های پژوهشی و مشاهدات میدانی نشان می‌دهد که از نظر تماشاگران؛ تعصب بیش از حد، جوسازی در سکوها توسط هواداران، جوسازی لیدرهای باشگاه، واکنش‌های نابجای عوامل مسابقه و باشگاه، رفتار نادرست برخی از بازیکنان، داوری جانبدارانه، جوسازی روزنامه‌های ورزشی، نامناسب بودن محیط ورزشگاه، تحقیر هواداران، نادیده گرفتن کرامت انسانی آن‌ها و حس انتقام جویی ناشی از شرایط محیطی و اجتماعی ازجمله

عوامل مرتبط با رفتارها و واکنش‌های تهاجمی از سوی تماشاگران و هواداران است؛ لذا تماشاگران فوتبال به خیال خود با تخریب اموال عمومی و نوشتن یا گفتن مضامین زشت اخلاقی از جامعه، رقیبان تیمی خود و عوامل مدیریتی و مسئولان مربوطه انتقام می‌گیرند.

در سؤال دوم به بررسی رابطه بین احساس ناکامی تماشاگران زن و اوباش‌گری در فوتبال پرداخته شد. نتایج نشان داد که تماشاگران زنی که احساس ناکامی بیشتری می‌کنند از حیث بروز رفتارهای اوباش‌گری مستعدترند. در سؤال سوم به بررسی رابطه بین احساس جوانی و هویت زنانگی تماشاگران زن و اوباش‌گری در فوتبال پرداخته شد. نتایج نشان داد تماشاگران زنی که احساس جوانی و هویت زنانگی بیشتری می‌کنند؛ از حیث بروز رفتارهای اوباش‌گری مستعدترند. در سؤال چهارم به بررسی رابطه بین احساس تعلق اجتماعی تماشاگران زن و اوباش‌گری در فوتبال پرداخته شد. نتایج نشان داد تماشاگران زنی که احساس تعلق بیشتری می‌کنند از حیث بروز رفتارهای اوباش‌گری مستعدترند. در سؤال پنجم به بررسی رابطه بین احساس محرومیت نسبی تماشاگران زن و اوباش‌گری در فوتبال پرداخته شد. نتایج نشان داد تماشاگران زنی که احساس تعلق اجتماعی بیشتری می‌کنند از حیث بروز رفتارهای اوباش‌گری مستعدترند. در سؤال ششم به بررسی رابطه بین انزوای اجتماعی تماشاگران زن و اوباش‌گری در فوتبال پرداخته شد. نتایج بیانگر عدم معناداری رابطه بین احساس انزوای اجتماعی تماشاگران زن و رفتارهای اوباش‌گری در فوتبال بود. ناسازگاری‌های حاکم بر روابط فرد و جامعه، تضعیف و فروپاشی اخلاق، تزلزل نهادهای جامعه مانند خانواده و مدرسه در انتقال ارزش‌های اجتماعی، سلطه شرایط ناپه‌ن‌جار بر جامعه و... می‌تواند از دلایل شکل‌گیری رفتارهای اوباش‌گرانه و پرخاش‌گرانه باشد.

در سؤال هفتم به بررسی رابطه بین مصرف و برداشت رسانه‌ای تماشاگران زن و اوباش‌گری در فوتبال پرداخته شد. نتایج بیانگر عدم معناداری رابطه بین مصرف رسانه‌ای تماشاگران زن و رفتارهای اوباش‌گری در فوتبال بود. مصرف رسانه‌ای می‌تواند عاملی مؤثر در بروز رفتارهای اوباش‌گری باشد. اگرچه رسانه از جلوه‌های فرهنگی - اجتماعی در جامعه است و در جامعه ما ورزش رسانه‌ای شده است و خیل زیادی از زنان مشتاق به بازی فوتبال آن را از آن طریق دنبال می‌کنند. این رسانه‌ای شدن موجب پیدایش مفهومی به‌عنوان «بازنمای فوتبال» به‌جای «واقعیت فوتبال» شده است. این امر موجب شده تا افراد از جمله تماشاگران زن به این درک برسند که از

واقعیات و پشت پرده‌های فوتبال خبردار نشوند. به همین دلیل به رسانه نیز اعتماد نمی‌کنند. از نظر تماشاگران زن، رسانه یک‌سویه عمل می‌کند. با وجود این نقش رسانه‌ها در جلوگیری از بروز پرخاش‌گری بسیار مؤثر است. شرایط فرهنگی جامعه نشان می‌دهد هر جا که رسانه‌ها دست به کار شده‌اند و برای فرهنگ‌سازی به‌صورت جدی برنامه‌ریزی و عمل کرده‌اند، نتایج مطلوبی حاصل شده است، اطلاع‌رسانی درباره علل، نتایج و تبعات فردی و اجتماعی پرخاش‌گری یک ضرورت جدی محسوب می‌شود. یکی از پیشنهادهای مهم در این حوزه که می‌تواند به افزایش آگاهی‌ها و کاهش مخاطرات و آسیب‌ها در این حوزه بینجامد تهیه مستندهای ورزشی - اجتماعی با محوریت تأثیرگذاری حضور زنان در عرصه‌های عمومی جامعه است.

در سؤال هشتم به بررسی رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی تماشاگران زن و اوباش‌گری در فوتبال پرداخته شد. نتایج نشان داد تماشاگران زنی که احساس مسئولیت‌پذیری اجتماعی بیشتری می‌کنند از حیث بروز رفتارهای اوباش‌گری در موقعیت ضعیف‌تری قرار دارند. مسئولیت‌پذیری در تماشاگران فوتبال موجب الزام آنان به نوعی تعهد در برابر دیگر هم‌نوعان و طرفداران فوتبال محسوب می‌شود. از نظر زنان تماشاگر مسئولیت‌پذیری به‌عنوان مؤلفه مهم زمانی بر رفتار نابهنجار اثرگذار است که فرد بپذیرد به‌عنوان یک تماشاگر نسبت به بازیکنان و جامعه و هم‌نوعان خویش مسئول و متعهد است تا هیچ‌گونه هنجاری را زیر پا نگذارد دیگر رفتار اوباش‌گری نیز از آن شکل نمی‌گیرد. امری که نیاز به آموزش‌های مکرر و مداوم دارد. امری که از نهاد خانواده، مدرسه و اجتماع باید آموخته شود. درواقع بی‌مسئولیتی و بی‌تعهدی در برابر خود، جامعه می‌تواند در بروز رفتارهای پرخاش‌گرانه و اوباش‌گرانه مؤثر باشد.

در سؤال نهم به بررسی رابطه بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی تماشاگران و اوباش‌گری در فوتبال پرداخته شد. نتایج نشان داد تماشاگران زنی که پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالاتری دارند از حیث بروز رفتارهای اوباش‌گری در موقعیت ضعیف‌تری قرار دارند. پرخاش‌گران زن همان تخریب‌گرها به طبقه یا منطقه خاصی از اجتماع یا منطقه خاصی از شهر تعلق ندارند. آن‌ها تنها در محدوده مشخصی از شهر به خرابکاری نمی‌پردازند و فرد خرابکار برای انجام فعالیت نابهنجار خود، هیچ محدودیت زمانی و مکانی قائل نیست. در بین زن‌های وندال نیز افرادی که با سرخوردگی‌ها، شکست‌ها و ناکامی‌ها در زمینه‌های تحصیلی، حرفه‌ای، مالی، خانوادگی و اجتماعی که دارای شخصیتی پرخاش‌گر، بی‌ثبات، ضد اجتماعی، ناآرام،

انتقام جو و درعین حال مأیوس‌اند بیشتر دیده می‌شوند.

در سؤال دهم به بررسی برازش مدل نظری عوامل مؤثر بر بروز رفتارهای اوباش‌گرانه تماشاگران زن فوتبال پرداخته شد. نتایج نشان داد مدل الگوواره‌ای ناشی از عوامل مؤثر بر رفتارهای اوباش‌گرانه تماشاچیان زن فوتبال از برازش مطلوبی برخوردار بود. نتایج این پژوهش در مجموع بیانگر آن بود که اوباش‌گری به‌عنوان پدیده پیچیده به تعداد زیادی عوامل متفاوت وابسته است. با هر الگویی که این متغیرهای متعدد را به‌کار گیریم می‌توانیم استدلال کنیم که افراد در بطن نیروهای اجتماعی محاط شده‌اند؛ تفاوت‌های شخصیتی باعث می‌شود که افراد به لحاظ آمادگی برای پاسخ به محرک‌های اجتماعی متفاوت باشند. اینکه پیش‌شرط‌های اجتماعی و روان‌شناختی تا چه حد بر فعالیت و رفتار اجتماعی افراد تأثیر می‌گذارند تا حدود زیادی به محیط‌های اجتماعی شامل نهادها و ساختارهای اجتماعی، اعتقادات و ارزش‌های فرهنگی و سیاسی بستگی دارد. این سه دسته از متغیرها به‌شدت مرتبط و به‌هم‌آمیخته‌اند و هر تغییری در هریک از آنها بر کنش‌ها و رفتارهای آدمی تأثیر می‌گذارد.

پیشنهاده‌ها

با توجه به این که فوتبال به‌عنوان یک پدیده اثرگذار در ارزش‌های فرهنگی جامعه مطرح است، وقتی نتوان هویت افراد مشارکت‌کننده در آن را مشخص کرد، اعمال ضد اجتماعی و غیراخلاقی آن‌ها افزایش می‌یابد و متغیر فردیت باختگی و همرنگی از جهاتی با یکدیگر تداخل می‌یابند. وقتی این پدیده‌های اجتماعی به معضل تبدیل شوند، اغلب با راهکارهای اجتماعی قابل رفع هستند؛ بنابراین تدابیر پیشگیرانه و مقابله‌ای باید به‌صورت نظام‌مند و مبتنی بر اتخاذ توأمان رویکردهای رویکرد فرهنگ ساز و کنترل‌محور باشد.

رشد و گسترش امکانات ورزشی در سطح جامعه باعث می‌گردد تا بخش عمده‌ای از اوقات فراغت جوان پوشش داده شود. سالن‌ها و میادین ورزشی از بهترین اماکن و موقعیت‌ها برای رشد اجتماعی و اعتلای شخصیت نوجوانان و جوانان است. بایستی به این مسئله از دید کلان نگاه کرد و ضرورت دارد که تمامی نهادهای جامعه در این امر مشارکت داشته باشند. محیط‌های ورزشی از سالم‌ترین جایگاه‌های ارضای هیجانات هستند. برای کنترل و مدیریت هیجان‌خواهی نسل جوان این اقدامات بسیار حیاتی است و زمینه‌ساز پیشگیری از بسیاری از رفتارهای ضد اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی است.

فهرست منابع

- بخارایی، احمد و شربتیان، محمدحسن (۱۳۹۴). تحلیل جامعه‌شناختی عوامل اثرگذار بر رفتارهای وندالیستی (مطالعه موردی: در کلان شهر مشهد). پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، (۲)، ۴۸-۲۱.
- جان حسنی، علی (۱۳۸۷). عوامل مؤثر بر گرایش به رفتارهای تخریب‌گرایانه در استان مازندران. مطالعات امنیت اجتماعی، (۱۶)، ۴۶-۱۱.
- حاجی بیگی، محمدرضا و مسعودی، احمدرضا (۱۳۸۵). خشونت و پرخاش‌گری در فوتبال. فصلنامه امنیت، (۵-۲)، ۷۳-۱۱۶.
- حیدری آقاگلی، رضا و میلانی، علیرضا (۱۳۹۹). تحلیلی بر رویکردهای نظریه‌ای پدیده وندالیسم در فوتبال (چالش‌ها و راهکارهای کیفی). مطالعات فرهنگی - اجتماعی المپیک، (۱)، ۱۲۷-۱۶۱.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران. (۲۰ مهر ۱۳۹۸). بازیابی از زنان برنده آزادی: <https://www.irna.ir>
- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۸، ۲۰۰۷). بازیابی از زنان برنده آزادی: <https://www.irna.ir>
- رحمانی خلیلی، احسان و صفویان، سید میلاد (۱۳۹۸). تبیین جامعه‌شناختی پدیده هولیگانیزم تماشاگران فوتبال (مورد مطالعه: تماشاگران مسابقات فوتبال شهر تهران). فصلنامه علوم اجتماعی، (۲۶)، ۱۲۳-۱۵۶.
- دستگردی، مهدی؛ دبیر، علیرضا و شریعتی فیض‌آبادی، مهدی (۱۳۹۸). مدلسازی ساختاری مفاهیم ناهنجاری در ورزشگاه‌های ایران. دوفصلنامه علمی کارافن، (۱۶)، ۱۹-۲۰۶.
- شبکه شرق (۱۴۰۱/۶/۳). بازیابی از ۵۰۰ زن برای ثبت در تاریخ: <https://www.sharghdaily.com>
- شجیع، رضا؛ حیدری، رضا؛ شجیع، کیانوش؛ اسداللهی، احسان و امیری بایگی، سید محمد (۱۴۰۰). واکاوی رفتارهای غیراخلاقی بازیکنان لیگ برتر فوتبال ایران. فصلنامه علمی پژوهش در ورزش تربیتی، (۹)، ۱۶۷-۱۹۴.
- شفیعی، شهرام؛ دستوم، صلاح؛ عبدالی، حسن و افروزه، حکیمه (۱۳۹۵). ارائه مدل فرایندنگر بروز پرخاش‌گری و چهارچوب کنترل آن در تماشاگران فوتبال. رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی، (۴)، ۴۷-۵۱.
- فتحی، سروش؛ آرام، هاشم و کریمیان، حبیب‌اله (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر

رفتارهای وندالیستی جوانان با تأکید بر نقش حاشیه نشینی (مورد مطالعه جوانان شهر تهران). *مطالعات مدیریت شهری*، ۴(۱۰)، ۵۱-۶۴.
فراجاد، محمدحسین (۱۳۸۲). *آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات*. تهران: انتشارات بدر.

قاسمی، وحید؛ ذوالاکتاف، وحید و نورعلی‌وند، علی (۱۳۸۸). توصیف جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر وندالیسم و اوباش‌گری در ورزش فوتبال. *فصلنامه المپیک*، ۱۷(۱)، ۶۹-۷۹.

طالب‌پور، اکبر (۱۳۹۹). رفتارهای نابهنجار در میان تماشاگران فوتبال در شهر تهران. *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۱۱(۲)، ۲۸۹-۳۱۶.

کریمی، حمید؛ آقائی، سید سعید و باصری، علی (۱۴۰۲). بررسی عوامل شناختی - رفتاری مؤثر بر شورش‌های بعد از بازی فوتبال. *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، در دست انتشار.

کشگر، سارا؛ کارگر، غلامعلی و خورشیدی، رضا (۱۳۹۰). نقش رسانه‌ها در انتقال ارزش‌های اخلاقی و رابطه آن با وندالیسم. *فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی*، ۴(۴)، ۷۱-۱۰۵.

محسنی، رضاعلی (۱۳۸۸). تحلیل رفتار پرخاش‌گری و خشونت ورزشی با تأکید بر رهیافت روان‌شناختی اجتماعی. *فصلنامه جامعه‌شناسی*، ۱۱(۳)، ۵۱-۷۲.

مرادی، غلامرضا؛ سوری، احمد؛ سالار، روح‌اله و نیازی، اسفندیار (۱۳۹۴). راهکارهای پیشگیری انتظامی از بروز پرخاش‌گری در مجموعه‌های ورزشی (مورد مطالعه: استادیوم آزادی تهران). *فصلنامه انتظام اجتماعی*، ۳(۳)، ۱۳۱-۱۵۴.

مرادی، مهدی و ستاری فرد، صادق (۱۳۹۸). بررسی پرخاش‌گری و خشونت در فوتبال و ارائه راهکارهای پیشگیرانه و کنترلی. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (گزارش‌های کارشناسی).

نقدی، اسدالله (۱۳۸۶). *حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی*. تهران: انتشارات فن‌آوران.

Divisova, v. (2024). Policing football-related violence in the Czech Republic: the football clubs' quest for profit and security. *Sport in Society*, 411-437.

Feuer, L. (1973). *The conflict of Generation*. N.Y: Basic Books.

References

- Bokharæi, Ahmad & Sharbatian, Mohammad Hassan (2015). Sociological analysis of factors affecting vandalism (case study: in the metropolis of Mashhad). Strategic Research on Security and Social Order, (2), 21-48. (In Persian)
- Dastgerdi, Mehdi; Dabir, Alireza and Shariati Feyzabadi, Mehdi (2019). Structural modeling of concepts of abnormality in Iranian stadiums. Bi-Quarterly Scientific Journal Karafen, (16), 19-206. (In Persian)
- Divisova, v. (2024). Policing football-related violence in the Czech Republic: the football clubs' quest for profit and security. Sport in Society, 411-437.
- Farjad, Mohammad Hossein (2003). Social pathology and sociology of deviations. Tehran: Badr Publications. (In Persian)
- Fathi, Soroush; Aram, Hashem and Karimian, Habibollah (2012). Investigation of factors affecting vandalistic behaviors of youth with emphasis on the role of marginalization (case study of youth in Tehran). Urban Management Studies, 4(10), 51-64. (In Persian)
- Feuer, L. (1973). The conflict of Generation. N.Y: Basic Books.
- Ghasemi, Vahid; Zholaktaf, Vahid and Nooralivand, Ali (2009). Sociological description of factors affecting vandalism and hooliganism in football. Olympic Quarterly, 17(1), 69-79. (In Persian)
- Hajibeigi, Mohammad Reza & Masoudi, Ahmad Reza (2006). Violence and aggression in football. Quarterly Journal of Security, 5(1-2), 73-116. (In Persian)
- Heydari Aghagoli, Reza & Milani, Ali Reza (2019). An analysis of theoretical approaches to the phenomenon of vandalism in football (challenges and criminal solutions). Olympic Socio-Cultural Studies, (1), 127-161. (In Persian)
- Islamic Republic of Iran News Agency. (10 October 2019). Retrieval from Women Who Won Freedom: <https://www.irna.ir>. (In Persian)
- Islamic Republic of Iran News Agency. (2019, 07 20). Retrieval from Women Who Won Freedom: <https://www.irna.ir>. (In Persian)
- Jan Hassani, Ali (2008). Factors affecting the tendency to destructive behavior in Mazandaran Province. Social Security Studies, (16), 11-46. (In Persian)
- Karimi, Hamid; Aghaei, Seyed Saeed and Basri, Ali (2013). Study of cognitive-behavioral factors affecting riots after football games. Strategic Studies of Sports and Youth, forthcoming. (In Persian)
- Kashgar, Sara; Kargar, Gholamali and Khoshri, Reza (2011). The role of media in transmitting moral values and its relationship with vandalism. Journal of Communication Research, (4), 71-105. (In Persian)
- Mohseni, Reza Ali (2010). Analysis of aggressive behavior and sports violence with emphasis on social psychological approach. Journal of Sociology, 1(3), 51-72. (In Persian)

- Moradi, Gholamreza; Souri, Ahmad; Salar, Roohollah and Niazi, Esfandiar (2015). Strategies for preventing aggression in sports complexes (case study: Tehran Azadi Stadium). Quarterly Journal of Social Order, (3), 131-154. (In Persian)
- Moradi, Mehdi and Sattarifard, Sadegh (2019). Investigating aggression and violence in football and presenting preventive and control strategies. Tehran: Research Center of the Islamic Consultative Assembly (Expert Reports). (In Persian)
- Naqdi, Asadollah (2007). Marginalization and Informal Settlement. Tehran: Fanavaran Publications. (In Persian)
- Rahmani Khalili, Ehsan and Safaviyan, Seyed Milad (2019). Sociological explanation of the phenomenon of football hooliganism among spectators (case study: spectators of football matches in Tehran). Quarterly Journal of Social Sciences, (26), 123-156. (In Persian)
- Shafiei, Shahram; Dostum, Salah; Abdoli, Hassan and Afroozeh, Hakime (2016). Presentation of a process-oriented model of aggression and its control framework in football spectators. New Approaches in Sports Management, 4(14), 51-67. (In Persian)
- Shargh Network (3/6/1401). Retrieval from 500 Women for Recording in History: <https://www.sharghdaily.com>. (In Persian)
- Shojie, Reza; Heydari, Reza; Shojie, Kianoush; Asadollahi, Ehsan and Amiri Bayegi, Seyed Mohammad (1400). Analysis of unethical behaviors of Iranian Premier League football players. Quarterly Journal of Research in Educational Sports, (9), 167-194. (In Persian)
- Talebpour, Akbar (2010). Abnormal behaviors among football spectators in Tehran. Iranian Social Issues Review, 11(2), 289-316. (In Persian)